

کارخانه نخریسی حاج علی محمدخوئی - تبریز :

کارخانه در سال ۱۳۰۳ تأسیس شد و کلیه ماشین‌آلات آن موتوری و محصولات آن از پشم ریسی و پنبه ریسی همه برای مصرف قالی‌بافی و پارچه‌بافی بوده. سرمایه آن در ۱۳۱۵ بالغ بر شش میلیون ریال بود و سیصد نفر کارگر داشت و روزانه چهارصد بوقچه نخ پشم و پنبه و هزار متر پارچه‌های مختلف تهیه می‌نمود که تماماً در بازارهای داخلی به مصرف می‌رسید و بهای آن در سال بالغ بر ۵ میلیون ریال بود. در سال ۱۳۱۴ ماشین‌آلات جدیدی برای پارچه‌بافی و نخریسی آن خریداری نمودند (۱۶۴) ولی مدتی تعطیل بود و مقارن بهمن‌ماه ۱۳۱۷ دوباره شروع بکار و بهره‌برداری نمود (۱۶۵) و گویا تعطیل آن هم بعلت نقص ماشین‌آلات بود که مجبور بودند از خارجه وارد کنند و نصب نمایند (۱۶۶).

بقیه پاورقی از صفحه قبل

زمین محصور و مجزی از کارخانه ۷۰۰۰ متر مربع از قرار متری ۳۵ ریال

۲۴۵۰۰۰ ریال - ۴.

جمع ۵ قلم (الف)

۲۹۰۸۰۰ ریال.

ماشین‌های کار (ریسندگی پشم و پنبه) ۲۸۰۰۰۰ ریال - ۲ - ب.

وسایل انتقال نیروی برق شامل کابل و کلید و شبکه روشنایی ۱۷۶۶۲۵۰ ریال - ۴.

اثاثه دفتری و دارائی و ایضاً دستگاههای فرش و پارچه‌بافی و فرشهای بافته و نیمه‌بافته

و غیره

۲۱۲۷۵۰ ریال.

نخ ۱۳۹۷ عدل

۵۰۶۵۲۰۰ ریال.

جمع کل

۶۷۲۶۸۲۱۹ ریال.

آمار فعالیت‌های صنعتی و معدنی کشور در سال ۱۳۳۸.

در اطلاعات ۱۰۰۸۶، ۳۸۹۹۲۱ رقم آخری هم بوده و رقم ماقبل آخر هم ۴۸۹۰۲۴۶

قیمت‌گذاری شده بوده است و بنابراین جمع کل می‌شود ۷۲۶۰۹۹۱۵ ریال.

غرض از نوشتن این ارقام و نظائر آن، اینست که از روی آنها میزان بزرگی و کوچکی و ظرفیت و سرمایه کارخانه معلوم شود و اهل فن بتوانند از آن استفاده نمایند.

۱۶۴ - اطلاعات ۲۷۸۹، ۲۹۲۲۹.

۱۶۵ - مجله بانك ملی ش ۳۲ ص ۹.

۱۶۶ - مجله بانك ملی ش ۲۱ ص ۱۰۱.

۱۳۱۵ یا ۱۳۱۶ بوده است، چه در گزارش بانك ملی است که بقیه ماشین‌های کارخانه پارچه‌بافی آذربایجان چند هفته است وارد بندر انزلی شده ولی تا بحال نتوانسته‌اند اجازه خرید ارز مربوطه را تهیه نمایند. محل کارخانه در شمال قزوین نزدیک دروازه «درب کوشک» واقع و مساحت آن در حدود ۱۶۰۰۰ متر مربع است که قریب ۳۰۰۰ متر زیربنا داشت. ماشین‌های کارخانه از آلمان و ایتالیا و انگلستان خریداری شده بود و دارای یکصد دستگاه بافندگی بود و چهار موتور داشت بقوة ۵۰۰ و ۲۰۰ و ۷۵ اسب (دو موتور ۷۵ اسب) و تا سال ۱۳۲۸ از نیروی برق آن برای روشنایی شهر استفاده می‌شد. در ۱۳۳۵ این کارخانه در حدود ۳۳۰ نفر کارگر مرد و زن داشت که حداقل مزد آنها ۴۷ ریال بود و حداکثر ۱۰۵ ریال... کارخانه دستگاه نختابی نداشت و نخ مورد نیاز خود را از کارخانه‌های نختابی داخلی خریداری می‌کرد ولی دستگاه رنگرزی داشت. محصول کارخانه و مقدار روزانه آن ۲۵۰۰ متر و سالیانه بین ۸۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ متر و این کارخانه هم پس از بیست و دوسه سال کار که چگونگی و حاصل آن نامعلوم است ورشکست شد و آنگهی فروش آن باین شرح انتشار یافت (۱۶۳).

۱۶۳ - عرصه و اعیانی کارخانه و چاهها و استخرهای متعلقه تقویم شده بقیمت

۲۷۴۰۰۰ ریال - الف.

حیاط واقعه در ضلع شرقی ۱۶۷۱ متر مربع از قرار متری ۵۰ ریال ۸۳۰۵۰ ریال - ۳.

چهار ساعت آب از گردش ۳۸۴ ساعت قنات وزیر ۲۰۰۰۰ ریال - ۵.

ماشین‌آلات و اثاثه دفتری - ماشین‌های مولد نیرو و تبدیل بشرح صورت زیر:

۲۸۵۰۰۰ ریال - ۱ - ب.

۳۸۵۱۳۹ ریال - ۵.

۲۴۰۰۰۰ ریال - ۱ - ۳.

۳۷۶۸۹۱۳۹ ریال.

ابزار و لوازم یدکی

ماشین‌های تکمیل و تعمیرات

جمع شش قلم اخیر (ب)

باغ مزرعه بمساحت ۳۶۶۰۸ متر مربع از قرار متری ۵۰ ریال.

۱۸۳۰۰۰ ریال - ۲ الف.

دنباله پاورقی در صفحه بعد

کارخانه بوستان:

همان کارخانه حاج رحیم قزوینی و صاحب سهام اصلی آن بیوک- قزوینی بود و ۳۲۱۶ دوک و ۲۵ ماشین بافندگی داشته است (۱۶۷). این کارخانه در سال ۳۴ بعلت توقیف صاحب سهام عمده متوقف بود و اقداماتی شد که فعالیت خود را از سر گیرد (۱۶۸). در شهریور ۳۵ کارخانه بکار افتاده بود و شبانه روز دونوبت، هر نوبت ۸ ساعت کار می کرد. در سال ۳۷ (دیماه) دوباره تعطیل گردید (۱۶۹). و در سال ۳۸ با استفاده از وام صنعتی برای ادامه کار مجهز و تجدید افتتاح گردید (۱۷۰).

کارخانه پشمینه:

سالها در حال تعطیل بود و در اواخر اسفند ۴۵ تمام قسمت های نخریسی، پارچه بافی، پتوبافی آن بکار افتاد. صاحب این کارخانه که پشمینه نو نامیده شده بیوک صابراست (۱۷۱).

کارخانه فیروز:

کارخانه کلکته چی است که آن نیز از چند سال پیش بسته شده و هیئت منصفه ای (۱۷۲) برای آن معین گشته بود و بوسیله مرتضی رحیم- زاده خوئی و طسوچی خریداری شد و مدتی در دست تعمیر بود و پس از تعویض مقدار زیادی از ماشین آلات آن، از اواخر بهمن ماه ۱۳۴۴ مجدداً بکار افتاد و ۵۰۰ نفر کارگر در آن مشغول بکار شدند و بنام کارخانه فیروز نامیده شد (۱۷۳).

۱۶۷- آمار فعالیت های صنعتی و معدنی کشور در سال ۱۳۱۸ ص ۳۵.

۱۶۸- اطلاعات ۸۸۴۱، ۲۹۸۲۹ و ۹۰۳۹، ۳۱۰۳۳۱.

۱۶۹- ۹۸۰۰، ۷۱۰۳۷.

۱۷۰- ۱۰۱۰۹، ۲۹۳۳۴.

۱۷۱- ۱۲۲۳۴، ۲۲۱۲۲۷.

۱۷۲- اطلاعات ۸۸۴۱، ۲۹۸۲۹ کلمه منصفه در اصل خبر آمده و ظاهراً باید «تصفیه» باشد.

۱۷۳- اطلاعات ۱۱۹۱۳، ۲۲۱۲۲.

شرح قضیه آنکه، این کارخانه در سال ۱۳۲۶ پس از ۱۵ سال کار شبانه روزی بعلت فرسودگی ماشین آلات و زیادی کارگر و عوامل دیگر بحالی افتاده بود که روزانه ۵۰۰۰۰ ریال ضرر می کرد... و در نتیجه ورشکست شد... و بالاخره کارخانه را بانک ملی که طلب کار عمده بود خریداری نمودند... و با آوردن مقداری ماشین آلات از اصفهان، کارخانه دوباره در صدد فروش آن برآمد... و مؤسسين شرکت فیروز آن را خریداری نمودند... و با آوردن مقداری ماشین آلات از اصفهان، کارخانه را براه انداختند. در این موقع کارخانه روزانه در حدود ۴۰۰ بوقچه نخ شماره ۳ الی ده تهیه می نمود... لوازم مورد احتیاج نیز سفارش داده شد تا ماشین آلات نخریسی تکمیل شود و قسمت پشم ریزی نیز بکار افتد (۱۷۴).

کارخانه پروین:

در يك كيلومترى مشرق اصفهان و در ابتدا دارای ۵۰۰ دوک ریسندگی بوده است و می توانسته است در ۲۴ ساعت یعنی سه پست ۸ ساعته ۵۰۰ بوقچه ریسمان بدهد. این کارخانه در اسفند ۱۳۳۶ تأسیس شده و به ثبت رسیده و تا سال ۱۳۴۶ قسمت ریسندگی آن آماده شده بود که دارای ۱۸۰۰ دوک بود. قسمت حلجی و ماشین های کاردینگ هم دارد که پنبه را ابتدا بصورت رشته در آورده به دستگاه های تهیه نخ تحویل می دهد و این قسمت خود کار است. قرار بوده است پس از تکمیل قسمت های ریسندگی اقدام به ساختمان سالن های بافندگی و نصب ماشین آلات بافندگی بشود. موتورخانه این کارخانه در ابتدا دارای يك مولد برق بقوة ۴۵۰ اسب بود و در نظر بود که سه موتور دیگر هم در آینده نصب شود. بهره برداری آزمایشی این کارخانه در اوایل تیر ۳۸ آغاز شد. مساحت کارخانه در حدود ۲۰ هزار متر مربع است که متجاوز از ۵۰۰۰ متر مربع آن زیر بناست. کلیه سرمایه کارخانه در حدود ۵۰ میلیون ریال بوده که ۲۳۰۰۰۰ ریال آن از محل وام های صنعتی بوده است. کارخانه در

۱۷۴- اطلاعات ۱۲۰۲۴، ۲۰۴۵۲.

وظیفه ریسندگی بارش را بعهدہ دارد. این کارخانه در سال ۱۳۳۹ پایه گذاری و از همان سال محصول آن ببازار عرضه شد دارای ده هزار دوک ریسندگی است و از ژاپن خریداری شده و ماشین های دولاتاب آن ۱۲۰۰ دوک دارد و با تولید نخ این کارخانه که از پنبه و الیاف مصنوعی است مصرف کارخانه بارش که فعالیت آن مطلقاً در قسمت بافندگی می باشد تأمین می شود. کارخانه بارش دارای سیصد دستگاه ماشین بافتنی است که از سویس خریداری و سیصد دستگاه از ژاپن وارد شده است. انواع پارچه های فانتزی زنانه. پرده ای مبلی. پوپلین. کدری. شال بوسیله این کارخانه تولید می شود و گل زنی آنها با ماشین «شاپلن» انجام می گیرد. محصول روزانه کارخانه بارش در سال ۱۳۴۶ با ۴۰ نوع پارچه مختلف ۴۱۰۰۰ متر بوده است. بیمارستان ضمیمه این کارخانه ها که به بیمارستان محمدی معروف است چهار میلیون تمام شده است، یعنی در آغاز کار یک بیمارستان فلزی مجهز به بهای ۲۰ میلیون ریال از آلمان خریداری و در جلو کارخانه بارش نصب شد و بعد آنرا توسعه دادند و قسمت های دیگری به آن اضافه کردند. این کارخانه ها بصورت یک شرکت سهامی اداره می شود و سید محمد بنکدار پسر حاج سید مصطفی بنکدار که بقول خود سالها در سویس و آلمان و سایر کشورها اروپائی مطالعات زیادی در اطراف صنعت نساجی بعمل آورده است، رئیس هیئت مدیره آنست و چندتن از نزدیکان وی کارهای سه شرکت و قسمت های مختلف کارخانه را اداره می نمایند. وجه تسمیه کارخانه بارش آن است که روزی که هیئت مدیره برای تعیین اسم کارخانه شور و اظهار نظر می کردند باران شروع بباریدن کرده است و آنها این پیش آمد را بغال نیک گرفتند و نام کارخانه قرار دادند (۱۸۰).

۱۸۰- در سال ۱۳۴۶ ریاست هیئت مدیره و مدیریت عامل کارخانه بارش با جمشید جهانگیری بوده است و ریاست کارخانه با مهندس محمد عالمزاده که تحصیلات خود را در رشته های نساجی و مدیریت صنعتی در آمریکا بپایان رسانیده است.

آغاز کار در حدود سیصد نفر کارگر داشته، رئیس هیئت مدیره کارخانه حاج کریم صیرفیان پور و مدیر عامل آن حاج احمد صیرفیان پور بوده است (۱۷۵). محصول روزانه ریسمان کارخانه در ۱۳۴۶ در حدود ۱۶۰۰ بوقچه بوده و کارخانه در حدود ۵۰۰ نفر کارگر داشته است (۱۷۶).

کارخانه سیمین :

کارخانه ریسندگی و بافندگی سیمین در سه کیلومتری جنوب غربی اصفهان ساخته و ... کلیه هزینه ساختمان آن بیش از ۱۳۰ میلیون ریال شده که ۳۶ میلیون آن از محل وامهای صنعتی وزارت صنایع و معادن پرداخت گردیده است. با شروع بهره برداری از کارخانه مزبور سالیانه ۱۱۵ هزار بوقچه ریسمان و چهار میلیون و هشتصد هزار متر پارچه تولید شده است (۱۷۷).

کارخانه بارش - بهریس (۱۷۸) :

سه کارخانه است ظاهراً متعلق به خانواده بنکدار که سهام اصلی آن را سید محمد بنکدار مالک است و با بیمارستان ضمیمه آنها در ۲۵ کیلومتری اصفهان در محلی بنام «شهر سفید» در محوطه ای به وسعت دویست هزار متر مربع ساخته شده و شصت هزار متر زیر بنا دارد (۱۷۹). این کارخانجات که در سال ۱۳۳۷ پایه گذاری شده و در سال بعد بهره برداری از آنها آغاز گردیده است، جمعاً هزار دوک ماشین های کارخانه نوریس همه ساخت سویس و قسمت حلاجی شده آن تمام اتوماتیک است. کارخانه بهریس نیز که در ضلع شمالی کارخانه بارش قرار دارد در حقیقت

۱۷۵- اطلاعات ۹۹۳۱، ۳۸۶۱۷

۱۷۶- اطلاعات ۱۲۳۳۶، ۴۶۴۳۱

۱۷۷- اطلاعات ۹۹۲۵، ۳۸۶۱۰

۱۷۸- اطلاعات ۱۰۷۹۵، ۴۱۲۱۸ و ۱۰۷۸۰، ۴۱۲۱ و ۱۲۳۴۵، ۴۶۴۳۱

۱۷۹- در مرجع اخیر این رقم ۱۴۰۰۰ است و بنای کارخانه ها ۱۲۰۰۰ متر.

کارخانه تاج (۱۸۱):

کارخانه در ۱۸ کیلومتری اصفهان در یک محوطه ۲۵۰۰۰۰ متری واقع است و از سال ۱۳۴۰ مقدمه تأسیس آن یعنی ساختمان کارخانه آغاز شد و در سال ۱۳۴۲ پایان یافت. از شهریور ۱۳۴۳ شروع به نصب ماشین-آلات کارخانه شد و در همان سال ۱۳۴۳ با سرمایه‌گذاری از طرف بانک اعتبارات صنعتی به‌سازمان برنامه تکمیل و از سال ۱۳۴۵ شروع به بهره‌برداری از آن گردید. در این کارخانه بالغ بر ۸۰۰ میلیون ریال از طرف صاحبان سهام و سازمان برنامه سرمایه‌گذاری شده است (۱۸۲). ماشین‌آلات آن از کشورهای سوئیس، آلمان، فرانسه و شوروی خریداری شده است. قسمت موتورخانه و برق آن از آلمان خریداری شده، یعنی دیگهای بخار و موتورهای برق آن از کارخانه مان و ژنراتورهای آن از مؤسسه زمینس، دستگاههای تصفیه آب و ماشین‌آلات تراش و فریز و سایر ادوات و تعمیرخانه آن هم آلمانی است.

ریسندگی مقدماتی آن از فرانسه، ریسندگی اصلی آن از سوئیس تکمیل و قسمت‌های دیگر آن از آلمان و شوروی یعنی قسمت حلّاجی و شانه از فرانسه، رنگرزی از سوئیس، قسمتی از ماشین‌آلات ریسندگی از کارخانجات رینترسوئیس، ماشین‌آلات دولاکن و ماسوره‌پنچ از آلمانی و سوئیس که جمعاً ۷۰ دستگاه بافندگی است متعلق به سوئیس و قرار بوده است دوازده دستگاه دیگر بر آن افزوده شود. این کارخانه در بسیاری از قسمت‌ها با دستگاههای الکترونیکی مجهز است باین معنی که چشمهای الکترونیکی ناظر بر صحت اعمال ماشین‌آلات می‌باشد... در قسمت آزمایشگاه کارخانه دستگاههای حیرت‌انگیزی مشغول بکار است. مثلاً دستگاهی که قطر یک تار پشم را اندازه می‌گیرد و یا دستگاهی که طول الیاف پشم را معین می‌کند و یا دستگاهی که رطوبت لازم را در پارچه معلوم

۱۸۱- اطلاعات ۱۰۷۱۲، ۱۱۱۱۱، ۴۰۷۷۸، ۱۰۷۷۸، ۴۶۱۲۹، ۱۲۳۳۲، ۴۶۲۶، ۴۶۲۶ و

۱۱۹۸۷، ۴۵۳۷.

۱۸۲- کیهان ۰۷۷۹۴، ۴۹۲۵.

می‌دارد... این ماشین‌آلات جمعاً بقیه‌ت ۲۲ میلیون تومان خریداری و برای مخارج دیگر آن ۸ میلیون اعتبار تأمین شده است. ماشین‌آلات کارخانه پشم‌باف در یک سالن ۲۵۰۰۰ متری نصب شده و کارخانه قادر است روزانه در دو نوبت سه‌هزار متر و در سال یک میلیون متر پارچه پشمی اعم از زنانه و مردانه تهیه کند و همه روزه هم پانصد بوقچه نخ تولید کند. کارخانه تاج دارای ۵۰۰۰۰ دوک نخ‌ریسی و ۴۸۰۰۰ دوک پشمی است و از نظر بنا چنان مجهز است که کارگر در ظرف هشت ساعت کاری که در محل کار است هیچ احتیاجی بخارج پیدا نمی‌کند. موتورهای برق کارخانه ۲۴۰۰ کیلوواتی است. در سال ۱۳۴۵ دوازده نفر از کارشناسان نساجی برادفورد انگلستان و دوتن متخصص سوئیس و ۵۵۰ نفر کارگر در آن کار می‌کردند.

کارخانه نجف‌آباد (۱۸۳):

در حدود بیست و شش سال قبل شرکتی برای تأسیس یک کارخانه ریسندگی در نجف‌آباد تشکیل گردید. این شرکت در ابتدای کار خود بیست میلیون ریال سرمایه داشت و بعنوان «شرکت سهامی برق و ریسندگی نجف‌آباد» تأسیس شده بود و در آغاز کار برق نجف‌آباد را نیز تأمین می‌نمود. در سال ۱۳۳۷ کارخانه شرکت با سه‌هزار صد و سی و شش دوک که از شرکت‌های ایتالیائی خریداری شده بود موجودیت یافت و با اشکالات زیاد و مدتها صرف وقت در ۱۳۳۳ شروع به بهره‌برداری نمود و در ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ هم کار را ادامه داد، ولی چون کارخانه کهنه بود، بیم ورشکستگی آن می‌رفت. بطوریکه در سال ۱۳۳۷ دوپنجم سرمایه شرکت از دست رفته بود اما هیئت‌مدیره خود ۳۰ میلیون ریال اضافه سرمایه تقبل نموده در تاریخ ۳۷۶۱۰ قراردادی برای خرید ۵۲۰۸ دوک ریسندگی و ۱۵۰ دستگاه ماشین بافندگی با شرکت «گوشو» ی

۱۸۳- اطلاعات ۱۰۷۸۳، ۴۱۲۲۴، ۱۲۳۹۱، ۴۶۲۷۲، بحساب امروز شاید سی و دوسه سال.

ژاپن منعقد کرد... ماشین آلات مزبور بتدریج در اواسط ۱۳۳۸ وارد شد و در اوایل ۱۳۳۹ بهره‌برداری از آنها صورت گرفت. در یک مرحله دیگر هم باز ۲۶۰۴ دوک ریسندگی از ژاپن و بعداً ۱۵۰ دستگاه ماشین بافندگی از سویس خریداری گردید و چون بهره‌برداری کامل از ماشین‌ها و تهیه محصولات خوب و متنوع و مخصوصاً تغییر برنامه بافت پارچه‌های نخی به پارچه‌های ابریشمی و نوظهور مستلزم خرید بعضی ماشین‌های مقدماتی بافندگی و تکمیلی بود، همچنین تأسیسات دیگر کارخانه از قبیل دستگاههای برق و بخار و تهویه و غیره بایستی بموازات افزایش ماشین‌ها توسعه یابد، مدیر وقت (+۱۳۴۰) کارخانه (هویتن) اکثریت سهام شرکت را خرید و دستگاههای تازه وارد کرد و از آن تاریخ کارخانه ریسندگی و بافندگی نجف‌آباد دارای ۱۱۰۰۰ دوک ریسندگی و سیصد دستگاه ماشین بافندگی است که در ۲۴ ساعت با سه‌پست کار در حدود ۵۰۰ بوقچه نخ و ۳۵۰۰۰ متر پارچه تهیه می‌نماید. در ۱۳۴۶ مهندس گوهریان رئیس و سرپرست امور فنی کارخانه بود و در آن سال کارخانه متجاوز از ۱۰۰۰ نفر کارگر و کارمند و سرکارگر و افزارمند و مهندس داشت و دستگاه گلزنی نیز برای کارخانه به ژاپن سفارش داده بود (۱۸۴).

کارخانه جدید نساجی شاهی [قائم‌شهر] (۱۸۵):

کارخانجات نساجی شماره ۲ و رنگرزی تکمیلی شماره ۳ جدید - التأسيس [قائم‌شهر] حدود هشت سال پیش (۱۳۴۱) با صرف یکصد میلیون ریال از طرف سازمان برنامه تأسیس یافت. این کارخانه در زمینی به مساحت ۱۲۰۰۰۰ متر مربع ساخته شده و دارای ۳۰۰۰۰ دوک ریسندگی و ۱۰۳۰ دستگاه بافندگی سی تا سی و پنج میلیون متر پارچه در سال است و مرکز برق آن بظرفیت ده‌هزار کیلووات. کارخانه دارای یک قسمت پشم‌بافی هم هست که برای خرید و نصب ماشین‌آلات آن قریب

یکصد میلیون ریال بمصرف رسیده است. میزان محصول قسمت پشم‌بافی کارخانه در سالهای اول ۷۰۰۰۰۰ متر اما تا چند برابر قابل افزایش پیش‌بینی شده بود. این کارخانه جدیدترین کارخانه نساجی موجود کشور تا این تاریخ است و با اعتبارات برنامه دوم ساخته شده و مجموع مخارجی که برای کارخانه و تأسیسات وابسته به آن شده در حدود ۱۶۰ میلیون تومان بوده است (۱۸۶). و انواع چیت و کودری و پارچه‌های نخی تولید می‌کرد. قسمت تکمیل کارخانه مرکب از دو دستگاه و در نوع خود بی‌نظیر است و می‌تواند سالیانه ۶۰۰۰۰۰۰ متر پارچه را رنگرزی و تکمیل نماید این کارخانه قسمت‌های تعمیرگاه و ریخته‌گری و چوب‌بری هم دارد (۱۸۷). عملیات نصب ماشین‌آلات کارخانه بوسیله فرانسویها صورت گرفته است و بمنظور تربیت افراد متخصص، کارخانه عده‌ای از جوانان را به کشور فرانسه فرستاده که در آنجا کارآموزی کنند و قبل از تحویل قطعی کارخانه بازگردند. این کارخانه بصورت شرکت سهامی اداره می‌شود و قسمتی از سهام آن با تضمین هشت درصد سود سالانه از طرف بانک اعتبارات صنعتی به مردم واگذار شده است. عده کارگران و کارمندان کارخانه را تا دوهزار و سی نفر نوشته‌اند. گویا درباره این کارخانه است که در بهمن ۳۵ سخنگوی شرکت ٹیسلروودرو محدود در لندن گفته بود که شاید بزرگترین ساختمانی است که توسط کارخانجات انگلستان صادر گردیده است. سفارش این کارخانه را سازمان برنامه داده و قرارداد آن به مبلغ دویست و پنجاه هزار لیره در تاریخ ۱۵ بهمن ۳۵ با شرکت «دی‌توت» منعقد شده است. کارخانه مزبور بیش از ۶۰۰ پا طول و در عریض‌ترین نقطه ۵۰۰ پا پهنا داشته، سقف آن از استیل دندانه‌ای مضرس خواهد بود. این کارخانه در شاهی [قائم‌شهر] احداث می‌شود (۱۸۸).

۱۸۶- در رقم یکصد و شصت میلیون تومان تردید است.

۱۸۷- اطلاعات ۱۱۸۹۰، ۱۱۸۹۵ و ۴۴۱۱۰۵ و اطلاعات ۱۱۰۶۵، ۲۲۰۱۱۰۲۲.

۱۸۸- اطلاعات ۹۲۳۹، ۱۱۶۱۱۰۳۵.

۱۸۴- اطلاعات ۱۰۷۸۳، ۴۱۲۲۴ و ۱۲۳۹۱، ۴۶۷۲۲.

۱۸۵- اطلاعات ۱۰۷۷، ۴۲۲۲۴ و کیهان ۷۵۰۰، ۴۷۲۵۶.

کارخانه ظفر :

کارخانه قبلاً متعلق به میروودود شایان بوده است و پس از رفع غائله آذربایجان (۱۳۲۵) ابتدا به بانک صنعتی و معدنی ایران و بعد به سازمان برنامه تحویل شده است و از طرف سازمان یکصد دستگاه از ماشین‌های بافندگی کارخانه چیت‌سازی تهران که محصول آنها متناسب با تقاضای بازار تشخیص داده شد به کارخانه مزبور منتقل و در آنجا نصب شد، سالن بافندگی برای آن ساخته و یک دستگاه دیگ بخار برای آن خریداری شد. کارخانه اصلی در سال ۱۳۱۱ تأسیس شده دارای ۷۰ دستگاه جوراب-بافی دستی و ۳۲ دستگاه جوراب بافی موتوری و ۱۶ دستگاه ماشین بافندگی و ۳۸ دستگاه ماشین کش و پارچه‌بافی بود. محصولات آن هم عبارت بود از انواع جوراب زنانه و مردانه و بچه‌گانه، و زیرپیراهنی و ژاکت که از نخ، کرک، پشم تهیه می‌شد و در حدود ۳۰۰ کارگر داشت (۱۸۹).

کارخانه اطلس باف :

از این کارخانه اطلاعات اجمالی ذیل بدست آمده است: میزان سرمایه‌گذاری در آن حدود ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال است که هفت میلیون ریال آن بمصرف خرید ماشین‌آلات رسیده و هشت میلیون ریال بقیه صرف خرید زمین و احداث ساختمان شده است و چهار سال پیش می‌توانسته است سالیانه پنج میلیون متر پارچه تهیه نماید. در دو سال ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ این کارخانه دوچار رکود شده بود و نه فقط سرمایه در گردش برای تهیه مواد اولیه نداشت، بلکه از محصولات آن هم در انبارها مانده بود (۱۹۰). علاوه بر این، از کارخانه‌ای بنام اطلس ذکری هست که در ۱۳۳۰ ش تأسیس شده و بلافاصله مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. مدیر آن رشته

۱۸۹- مجله بانک صنعتی و معدنی ایران ش ۱ و ۱۱ ص ۱۹.
و مجله سازمان برنامه س ۱ ش ۲ ص ۸۵.
۱۹۰- اطلاعات ۱۱۷۲۶، ۲۰۴۴۲۰.

بافندگی را در اروپا دیده بوده است و تولید سالیانه کارخانه ۱۲۰۰۰ متر پرده و ترویرا بوده است و انواع زیرپوش مردانه، کار آن هم ۲۴ ساعته و هفته‌ای شش روز بوده است، ولی معلوم نشد که این دو از هم جدا و دو کارخانه است یا یکی. کارخانه اطلس در تبریز بوده است.

کارخانه نجم :

کارخانه بافندگی دیگری از تبریز کارخانه نجم است که در ۱۳۳۵ ش تأسیس شد (۱۹۱) مساحت آن ۳۰۰۰ متر و ماشین‌های آن آلمانی است و علاوه بر لباسهای زیر ۲۰۰۰۰۰ متر پارچه پرلون در این مؤسسه تولید می‌شود. در ۱۳۴۹ ش ماشینهای آن فرسوده است (۱۹۲).

کارخانه پشمینه تبریز :

اولین سنگ بنای این کارخانه روز یکشنبه دوم خرداد ۱۳۱۶ نصب شد (۱۹۳) و پس از ۱۸ سال کار که خصوصیات و نتیجه آن معلوم نشده است، در تاریخ ۲۱/۱۲/۳۴ رگهی فروش آن بوسیله هیئت تصفیة شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی پشمینه تبریز با مشخصات ذیل انتشار یافت.

دارای دستگاههای پشم‌شوئی و ۱۰۸۰ دوک ریسندگی کامکارن و ۲۵۰۴ دوک ریسندگی سولفاکتور و ۵۰ دستگاه بافندگی و دستگاههای تکمیلی پارچه‌پشم، سه دستگاه موتور مولد برق بقدرت ۱۷۷۰ اسب و دو دستگاه دیگ بخار هر یک به فشار ۷ اتمسفر و سایر ماشین‌های مربوط پارچه‌بافی ریسندگی پشمی بعلاوه ساختمان محوطه کارخانه (جمعاً ۸۳۸۷ متر مربع زیر بنا باضافه انبار و باراندازها) و مقدار ۱۶۷۲۸۲ متر مربع زمین کار و باغ متصل به کارخانه بانضمام نوزده شبانه‌روز قنات

۱۹۱- مجید و کریم‌خامنه‌ئیان مؤسس‌آند.

۱۹۲- اطلاعات ۱۳۲۸۴، ۱۰۴۹۶۱۰ و اطلاعات ۱۳۲۸۸، ۱۵۴۹۶۱۵.
۱۹۳- اطلاعات ۳۱۴۸، ۱۰۳۱۰۳۱۶.

ساعدا الملك از گردش ۲۱ شبانه روز... ماشین آلات کارخانه ساخت آلمان اعلام شده است (۱۹۴). این کارخانه بواسطه عدم توانائی پرداخت اقساط بانک ملی در خرداد ۱۳۳۵ بحال توقف درآمد (۱۹۵).

کارخانه شوش :

اولین کلنگ این کارخانه در سال ۱۳۳۳ بر زمین زده شد. کارخانه دارای ۲۰۰۰۰۰ دوک نخریسی و ۵۴۰۰۰ دستگاه بافندگی بود (۱۹۶). وبه «شرکت کارون» تعلق داشت و برای استفاده از آن شرکت مختلطی «بنام شرکت شوش» تشکیل گردید تا با کمک مالی سازمان برنامه عملیات ساختمانی و نصب ماشین آلات در اهواز انجام شود و از اینرو سازمان برنامه و بانک اعتبارات صنعتی در این شرکت دارای سهمند (۱۹۷). محصول کارخانه را دوازده میلیون متر پارچه نخی برآورد کرده بودند.

کارخانه شهناز :

شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی شهناز اصفهان در سال ۱۳۳۰ تأسیس شده و ابتدا با ۸۸۰۰۰ دوک ریسندگی شروع بکار کرده و در شهریور ۳۷ دارای ۳۲۰۰۰۰ دوک ریسندگی بوده است و یک واحد بزرگ بافندگی نخی نیز در کنار قسمت ریسندگی آن احداث و بکار انداخته شده بود که دارای ۴۰۰۰ دستگاه ماشین نساجی مجهز بتمام وسایل مقدماتی، سفیدکنی، رنگریزی، چیت سازی و تکمیل بود و در نظر بود که تعداد این دستگاهها را به یک هزار دستگاه بافندگی برسانند و ساختمان آن در دست بنا و ماشین آلات آن در راه بود. با این افزایش محصول پارچه نخی این کارخانه بیکصد هزار متر در روز می رسید. در مورد توسعه قسمت ریسندگی هم اقدام شده بود که تعداد دوک را به ۵۰۰۰۰ برسانند و محصول

روزانه آن علاوه بر تأمین نخ مورد نیاز قسمت بافندگی روزی ۲۰۰۰۰ بوقچه نخ به بازار عرضه کند. در شهریور ۳۷ در این کارخانه ۱۵۵۰ نفر مشغول کار بوده اند (۱۹۸). بنابراین ظاهراً این کارخانه بزرگترین کارخانه نساجی کشور است و تا سال ۱۳۴۱ تنها کارخانه ای بوده است که از دولت وام نخواسته بود. این کارخانه دارای قسمت های پنبه پاک کنی، حلاجی، ریسندگی (رینگ فلایر، شش لائی، کلاف) ۱۴۰۰ دستگاه ماشین بافندگی، نقاشی و گلزنی است و محصول آن: چیت، کودری، چلوار، پوپلین، پیژامه، مخمل، کودری گلدار، دبیت و فاستونی های زنانه و مردانه است و سالیانه ۳۲ میلیون متر پارچه محصول دارد و در حدود ۲۰ میلیون تومان الیاف مصنوعی مصرف می نماید. این کارخانه هر روزه در دونوبت کار ۵۳۰۰۰ بوقچه نخ و قریب ۱۱۰ هزار متر پارچه تولید می کند، یعنی سالانه ۳۲ میلیون متر پارچه محصول دارد. در این کارخانه چهار عدد دیزل مولد برق نصب شده که جمعاً شش هزار اسب قوه دارد و در سالن ریسندگی آن حدود پنجاه هزار دوک نصب شده و ماشینها عموماً خود کار و مدرن است. صاحب و مدیر این کارخانه علی همدانیان اصفهانی بود (۱۹۹). و پس از فوت او به فرزندان او رسید و ظاهراً تا مدتی بصورت خانوادگی اداره می شد و تحت نظر حسین همدانیان برادر وی بود و در تاریخ دوم مهرماه ۴۵ سهام این کارخانه در اداره دارائی اصفهان بحراج گذارده شد و در نتیجه حسین همدانیان برنده حراج و مالک کارخانه شد (۲۰۰). این کارخانه یکسال پیش از این تاریخ ۴۷۵۰ کارگر داشت و تازه قسمتی از ماشین آلات ریسندگی و بافندگی و تکمیل چاپ فیلم و تصفیه آب و تهویه را که بتدریج طی دو سال وارد شده بود بکار انداخته روزانه ۱۱۰۰۰۰ متر پارچه تولید می کرد. قسمت ریسندگی آن ۲۰۰۰۰

۱۹۸- اطلاعات ۰۹۷۱۴، ۳۷۶۲۶، ۳۷۶۲۶.

۱۹۹- اطلاعات ۰۱۰۲۵۱، ۴۹۴۱۸، ۰۱۰۲۷۹، ۴۱۰۳۰، ۴۱۰۹۲، ۰۱۰۲۷۹، ۴۱۰۳۰، ۴۱۰۹۲، ۰۱۰۲۷۹.

۲۰۰- اطلاعات ۰۱۲۰۹۰، ۴۵۷۲۴.

۱۹۴- اطلاعات ۰۸۹۵۱، ۳۴۱۲۲۱.

۱۹۵- اطلاعات ۰۹۰۳۹، ۳۵۳۳۱.

۱۹۶- اطلاعات ۰۱۱۱۲۸، ۴۲۲۴۹.

۱۹۷- ۰۹۴۸۰، ۳۶۹۱۲.

دوگ داشت و در قسمت چهل هزار متری بافندگی آن ۱۳۰۶ دستگاه مشغول کار بود (۲۰۱). ماشین آلات این کارخانه با معافیت گمرکی وارد شده است (۲۰۲).

کارخانه سوسن :

واقع در جاده قدیم اصفهان به یزد و در سه کیلومتری شهر اصفهان است. در سال ۱۳۳۹ حسینقلی دهش مدیرعامل آن بود و کارخانه رونق و نظمی داشت. این کارخانه دارای ۶۰۰۰ دوگ ریسندگی تمام اتوماتیک و ۱۸۵ ماشین بافندگی تمام اتوماتیک بود و در نظر داشتند که در آینده بسیار نزدیکی ماشین آلات گل زنی پارچه را نیز وارد و نصب نمایند (۲۰۳). در این کارخانه برای کارگران یک کافه تریا ساخته شده بود. با همه اینها کارخانه ورشکست شد و در اسفند ۴۲ آگهی مزایده آن به این شرح انتشار یافت (۲۰۴).

۲۰۱ - ۱۱۸۱۸، ۴۴۸۸۵

۲۰۲ - ۹۲۳۰۱، ۳۵۱۱۶

۲۰۳ - ۱۰۲۶۵، ۳۹۵۳

۲۰۴ - الف - قسمت ریسندگی. ۱ - شاهل ماشین های حلاجی (با قدرت ده هزار دوگ).

ب - ۲۴ دستگاه ماشین کاردینک یا برش اتوماتیک - ده دستگاه شش لاکنی - چهار دستگاه فلایر هریک ۱۲۲ دوگ - تعداد ۶۰۶۴ دوگ ریسندگی و ۹۸۴ دوگ دولاتایی و ماشین های کلاف و دو دستگاه اسکرو و آزمایشگاه نیخ و دستگاه رطوبت - دو دستگاه ماشین حلاجی ضایعات و ماشینهای غلطک سازی و غیره.

ب - قسمت بافندگی - شامل ۱۸۵ دستگاه بافندگی (۱۵۰ دستگاه ژاپونی و ۳۵ دستگاه چکسلواکی که ۳۰ دستگاه آن با شفت می باشد و ماشینهای ماسوره ۱۲۰ دوگ.

ج - قسمت سالون مقدماتی - شامل دو دستگاه ماشین آلات فاخماشین ژاپونی - دو دستگاه چله - دو دستگاه شو - پنج دستگاه ماشین طراحی - دو دستگاه فاخماشین چکسلواکی و غیره.

د - قسمت تکمیل - شامل دو دستگاه ماشین رنگرزی - خشک کن - هشت غلطکی با

دنباله پاورقی در صفحه بعد

در آبان ۴۴ این کارخانه را بانک ملی اداره می کرد و می گفتند که در آن تاریخ ماهانه ۶۰ هزار تومان ضرر می دهد. بدین معنی که تولید کارخانه در ماه هفتاد هزار متر پارچه بوده که متری ۱۷۵ ریال تمام می شد و متری ۱۶ ریال بیشتر خریدار نداشته است و علت آن هم ورود اجناس مشابه بطور قاچاق بوده است، زیرا مرزنشینان بموجب مقرراتی می توانستند در حدود یک هزار ریال جنس بدون هیچگونه تشریفات و مقررات گمرکی وارد کنند. بنابراین کار عده کثیری از مرزنشینان این بوده است که با تهیه چند شناسنامه دائم به بنادر همجواری رفته مرتباً انواع پارچه ها را وارد می کردند و در بازار عرضه می نمودند (۲۰۵) ولی این ادعا قابل تردید است، زیرا در خرداد ۴۴ مصرف ماهانه پارچه نخسی سراسر کشور را سی میلیون متر ذکر کرده اند (۲۰۶) و تولید داخلی را

بقیه پاورقی از صفحه قبل

فولاد ماشین کش - ماشین اطو - ماشین نم زنی - ماشین پرزگیری - سد دستگاه متروویک سفید کنی.

ه - قسمت بویلر - شامل دو دستگاه بویلر روسی.

و - قسمت گل زنی - شامل ماشین بخار، دو دستگاه میکس و وسایل و میزهای گل زنی و لوازم عکس برداری و شاپلون سازی و غیره.

ز - موتورخانه - شامل یک دستگاه موتور دویتس و دو دستگاه هوریس.

ح - تعمیرخانه - شامل دو دستگاه تراش و جوشکاری و غیره.

ط - سایر قسمت های کارخانه - دارای ماشین آلاتی از قبیل یک دستگاه ویلو و دستگاه های نجاری و طناب تاب و غیره.

ی - دفتر و انبارها و سایر متحذات کارخانه.

جمع عرصه کارخانه ۴۲۴۵۰ متر مربع بمبلغ ۶۲۳۶۷۵۰۰ ریال و جمع اعیانی ۱۷۰۷۰ متر مربع بمبلغ ۴۳۶۳۲۵۰۰ ریال که جمع مبالغ اعیانی و عرصه پنجاه میلیون ریال ارزیابی شده است و قیمت کلیه ماشین آلات منصوبه کارخانه بشرح فوق بمبلغ ۵۰۷۰۸۶۱۵ ریال تقویم گردید و قیمت کل کارخانه در مزایده از مبلغ ۱۰۰۷۰۸۶۱۵ ریال شروع می شد (اطلاعات ۱۱۳۲۵، ۴۲۱۲۵).

۲۰۵ - اطلاعات ۱۱۸۲۷، ۴۴۸۸۱۷

۲۰۶ - اطلاعات ۱۱۶۸۵، ۴۴۸۳۱

در ۱۳۴۶، سی و پنج میلیون متر که تقریباً هفتاد میلیون متر بیش از مصرف سالیانه می‌شود.

کارخانه ریسندگی و بافندگی ری :

کارخانه ریسندگی ری اولین کارخانه نساجی خصوصی تهران است و در شش کیلومتری جاده شهر ری واقع شده است. اولین کلنگ آن در سال ۱۳۲۶ بزمین زده شد و بهره‌برداری از آن در سال ۱۳۳۳ شروع گشت. کارخانه ریسندگی و بافندگی ری در زمینی بمساحت ۱۶۵ هزارمتر مربع بنا شده که در حدود ۶۵ هزار متر از این مساحت در زیربنای اولیه بوده است. این کارخانه مرکب است از قسمت پنبه پاک‌کنی بظرفیت روزانه ده تن. انبارهای مختلف برای اسباب یدکی، رنگ و مواد شیمیائی، مواد خام و مواد ساخته شده بظرفیت ۵ ماه احتیاجات کارخانه. چهار دستگاه حلاجی، تاب و کلاف و چله‌کشی با ۵ دستگاه ماشین. سالن وسیعی با نهصد دستگاه ماشین بافندگی و بیست هزار دوک که روزانه ۶۰ هزار متر پارچه در سه وعده کار در آن بافته می‌شود. قسمت‌های شستن و آهار دادن پارچه، ماشین رنگ و چاپ پارچه، آزمایشگاه رنگ و ماشین‌های عکاسی و طراحی. چند دستگاه مولد برق بزرگ و کوچک که جمعاً در حدود ۸۵۰۰ کیلو وات برق تولید می‌کند. یک درمانگاه و یک شیرخوارگاه.

بعداً با کمک دولت، صاحبان کارخانه وامی گرفتند و در مقام توسعه و تکمیل کارخانه برآمدند و یکصد هزار متر مربع زمین جدید در کنار کارخانه قدیم خریدند و سالن بزرگ دیگری ساختند و یکهزار دستگاه ماشین بافندگی از سویس خریداری نمودند. ظرفیت کارخانه جدید که در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۳۶ افتتاح شده است، ۶۰ هزار متر مربع (۲۰۷) بود و در حقیقت ظرفیت کارخانه با آن دوبرابر شد. محصولات

۲۰۷- در اصل چنین است و گویا میزان ظرفیت و مساحت کارخانه باهم خلط شده است.

کارخانه عبارتست از منتقال، دبیت، چلووار، رومبلی، پرده‌های و رومیزی (۲۰۸).

کارخانه چیت‌سازی تهران :

در سال ۱۳۱۷ در نظر گرفته شد که کارخانه‌های به ظرفیت ۴۲۰۰۰ دوک در اطراف تهران احداث گردد. برای ایجاد و تأسیس چنین کارخانه‌های در حدود هشتاد هزار متر مربع از زمین‌های فرح‌آباد به وزارت پیشه و هنر واگذار شد و در همان سال (۱۳۱۷) ساختمان کارخانه شروع گردید. کلیه ماشین‌آلات مورد نیاز توسط کمپانی فروشتال آلمانی خریداری گردید. این ماشین‌آلات در کارخانجات مختلف آلمان ساخته شده است... ساختمان ابنیه و عمارات لازم برای قسمت‌های مختلف کارخانه و منازل مسکونی کارگران در سال ۱۳۱۹ انجام شد و عملیات ساختمانی جهت نصب ماشین‌آلات بواسطه بروز جنگ تعطیل گردید. چنانکه مقداری از لوازم کارخانه نیز در شوروی و آلمان ماند که نتوانستند ارسال دارند. بعد از جنگ در اواخر سال ۱۳۲۶ عملیات ساختمانی جهت نصب ماشین-آلات مجدداً شروع شد و در سال ۱۳۲۷ اولین قسمت محصول کارخانه چیت‌سازی تهران به بازار آمد (۲۰۹). این کارخانه ۱۴۰۰ دستگاه بافندگی داشت و محصول سالیانه آن بالغ بر یک میلیون متر چیت و چلووار و منتقال و انواع پارچه‌های نخی بود و ساختمانهایی از اینقرار برای آن احداث شد (۲۱۰).

۲۰۸- اطلاعات ۱۰۰۰۰، ص ۳۲ د

۲۰۹- مجله بانك صنعتی و معدنی ش ۱ ص ۷۹ و ۸۰.

۲۱۰- انبار محصول به مساحت ۱۸۰۰۰ متر مربع. انبار قطعات یدکی ۱۴۰۰ متر، تعمیرخانه ۲۱۰۰ متر. انبار پنبه و بارانداز ۲۰۰۰ متر. قسمت نخ‌ریسی ۱۲۰۰ متر با یک زیرزمین گردگیر. قسمت رنگرزی ۸۰۰۰ متر. منبع آب به حجم ده هزار متر مکعب که مجموعاً در زمینی به مساحت ۸۶۱۱۵ متر مربع احداث شده و محوطه مسکونی خارج از کارخانه نیز ۳۰۰۰۰ متر است و سطح زیربنای کارخانه ۵۲۸۴۰ متر (مجله بانك صنعتی و معدنی ش ۲ ص ۹۸ و ش ۷ س ۱ و اطلاعات ۱۱۹۹۹، ۳۵۳۳۲۱).

بعداً برای تکمیل این کارخانه از محل اعتبارات اداره همکاری فنی آمریکا برای ایران ده هزار دوک لوازم نخریسی، ماشین آلات حلاجی، ماشین آلات رنگرزی و تکمیل، دو دستگاه نورد و ۷۲ عدد استوانه، دستگاه رطوبت و روشنائی، دو عدد ماشین قرقره یکصد دوکی و پنجهزار عدد قرقره نوار خاردار، ۲۲۳۵ عدد بانکه نخریسی، یک دستگاه ماشین کلاف، دو دستگاه ماشین آهار و متفرعات آن. دستگاههای گره زنی، آب فلز، نمدهای زیر دستگاههای ماشین و ۳۰۴ دستگاه ماشین بافندگی اتوماتیک به مبلغ ۱۸۱۵۷۸۸ دلار خریداری شد (۲۱۱) و در برنامه سوم باز برای مدرنیزه کردن آن یعنی اضافه کردن ماشینهای مدرن به ماشین آلات موجود مبلغ ۱۰۹۰۰۰۰ ریال و ام از طرف سازمان برنامه پرداخت شد (۲۱۲). با اقداماتی که برای تکمیل و بهره برداری از این کارخانه شد ۴۰۰۸۰۰ دوک و ۱۲۸۴ ماشین بافندگی برای آن فراهم گشت که ده هزار دوک و ۳۰۴ ماشین آن از محل بودجه کمکهای اقتصادی اصل چهار خریداری شد و بقیه توسط سازمان برنامه. ماشین آلات مزبور عبارتست از: ماشینهای سفیدگری، رنگرزی، چاپ و تکمیل پارچه، دستگاههای کامل حکاکی غلطک و تهیه فیلم و وسایل مربوط و دستگاههای کربن زدن (سانفوریزه کردن پارچه) و همچنین تعمیرگاه مجهز برای رفع نیازمندیهای کارخانه (۲۱۳). بطور کلی تا آخر شهریور ۳۸ جمع کل مخارج کارخانه ۱۲۸۵۰۰۰ ریال بوده است... پس از رسیدن و نصب ماشینهای جدید ظرفیت کارخانه به ۸۰۰۰ متر در هفته می رسید، یعنی چهار میلیون متر در سال... در آن تاریخ کارخانه دارای ۱۲۴۸ ماشین بافندگی و چهار هزار دوک بود که شبانه روز کار می کرد و تخمین تولید آن در آن سال بین ۲۳ تا ۲۵ میلیون متر زده شده بود (۲۱۴).

از سال ۱۳۳۲ قرارداد خرید دو کارخانه نساجی پنبه هریک به ظرفیت سی هزار دوک با کارخانه سازنده «سن جورجو گالیئو» ای ایتالیائی به مبلغ ۴۰۰۹۶۴۲۱۷۲ دلار بسته شد که از این مبلغ ۴۰۰۹۶۴۲۱۷۲ دلار بهای فوب ماشین آلات دو کارخانه بود و مبلغ ۸۳۳۰۰۰ دلار کرایه و هزینه حمل ماشین آلات تا بندر شاپور و ۶۶۷۰۰۰ دلار هزینه نصب ماشین آلات این دو کارخانه بود (۲۱۵) محل نصب این ماشین آلات یکی از این دو کارخانه در همین کارخانه چیت سازی تهران معین و ده هزار دوک نخریسی قبلی و ۳۰۴ دستگاه بافندگی اتوماتیک بر طبق نقشه های در کارخانه جابجا شد و چون سالن ریسندهی برای نصب کلیه ماشین آلات چهار هزار دوک گنجایش نداشت، ساختمان سالن دیگری در نظر گرفته و توسط مهندسین مشاور کوکس انجام شد و برای قسمت تکمیل و رنگرزی کارخانه هم اقدام شد (۲۱۶). این کارخانه یک هزار دستگاه ماشین بافندگی داشت و پنج نفر متخصص ایتالیائی برای نصب آن به تهران آمدند (۲۱۷). در مورد مرکز نیرو هم قرار شد هر دو دستگاه سانترال مربوط به دو کارخانه نساجی ایتالیائی در چیت سازی تهران کار گذاشته شود (۲۱۸) برای محل نصب کارخانه شماره ۲ نساجی هم... مقرر گردید در شاهی [قائم شهر] مجاور کارخانه گونی بافی باشد (۲۱۹)... در سال ۱۳۴۵ مرکز برق کارخانه بقدرت ۵۰۰۰ کیلووات و بخار اضافی به میزان ۳۵ تن بخار در ساعت بوده است. نیروی برق بوسیله دو دستگاه توربین و دو دستگاه دیزل و بخار کارخانه مجوعاً توسط ۷ دستگاه دیاز بخار تأمین می شده است و در آن سال کارخانه ۱۸۶۹ نفر کارگر و ۱۰۷ کارمند و ۵ نفر کارشناس آمریکائی داشته و تولید کارخانه به سه پست کار شبانه روز

۲۱۵- مجله سازمان برنامه س ۱ ش ۲ ص ۳۴.

۲۱۶- مجله سازمان برنامه س ۲ ش ۱۲ ص ۲۸.

۲۱۷- مجله سازمان برنامه س ۲ ش ۱۲ ص ۵۶ با مختصر تصرف.

۲۱۸- مجله سازمان برنامه س ۲ ش ۱۲ ص ۵۶ با مختصر تصرف.

۲۱۹- مجله سازمان برنامه س ۲ ش ۱۲ ص ۵۶ با مختصر تصرف.

۲۱۱- مجله سازمان برنامه س ۱ ش ۲ ص ۳۴.

۲۱۲- گزارش پیشرفت... ص ۶۱.

۲۱۳- اطلاعات ۱۱۹۹۹، ۲۱۳۳۰، ۴۵.

۲۱۴- اطلاعات ۱۰۰۱۶، ۳۸۶۳۰.

(هرپست ۸ ساعت در حدود یکصد هزار متر انواع پارچه‌های مختلف پنبه‌ای و الیاف مصنوعی بوده است (۲۲۰)).

کارخانه ریسندگی قرقره زیبا :

این کارخانه براساس شرکتی با سرمایه یکصد میلیون ریال تأسیس و قسمت اعظم ماشین آلات آن از سویس و بقیه از آلمان و انگلیس خریداری شده، محصول کارخانه در روز حدود چهار هزار کیلو نخ قرقره است که فقط ۱۰۰۰ کیلوی آن مصرف دارد و برای بقیه قرار است ماشین آلات بافندگی جهت بافتن پارچه‌های پیراهنی وارد شود. برای تأسیس این کارخانه مخارجی بشرح ذیل شده است: زمین کارخانه به مساحت ۵۰ هزار متر مربع به قیمت ۲۰۸۲۷۴۰۵ ریال، ساختمان زیربنا ۱۲۰۰۰ متر مربع با تزئینات و دیوار کشی و آسفالت و کابل برق و تجهیزات الکتریکی جمعاً به مبلغ ۴۷۳۲۰۰۰۰ ریال، ماشین آلات ۱۵۵۷۴۱۰۴ ریال، جمع ۲۰۸۳۳۵۰۰۰ ریال. مدیرعامل رضا شکرچیان است. کارخانه در سوم اردیبهشت ۴۲ گشایش یافت (۲۲۱).

کارخانه ریسندگی و بافندگی ممتاز :

این کارخانه نیز در جاده شهر ری واقع است. مساحت کارخانه حدود ۶۰ هزار متر مربع و مشتمل بر قسمت نخ‌ریسی به مساحت ۱۸۸۰۰ متر است و قسمت بافندگی به مساحت ۱۳۲۰۰ متر مربع. قسمت رنگرزی به مساحت ۱۸۰۰ متر، قسمت نیروی برق و بخار به مساحت هزار متر مربع. این کارخانه یکی از سه کارخانه بزرگ بافندگی کشور است و برای تأسیس آن قریب ۱۲۰۰ میلیون ریال سرمایه‌گذاری شده است و دارای چهار هزار دوک و ۱۰۲۵ دستگاه بافندگی است که از کشورهای آلمان و انگلستان و ژاپن خریداری شده است. قسمت نیروی برق و بخار آن مشتمل است

۲۲۰- اطلاعات ۱۱۹۹۹، ۴۵۳۲۱.

۲۲۱- اطلاعات ۱۱۰۷۵، ۴۲۲۳.

بر سه دستگاه دیک بخار به ظرفیت ۲۴ تن، دو دستگاه توربین به قدرت ۲۵۰۰ کیلووات. چهار دستگاه موتور دیزل به قدرت ۱۳۵۰ کیلووات. قسمت تعمیرخانه و ساختمانهای منفرد دیگر از قبیل انبار قطعات یدکی و انبار مواد اولیه و انبار محصول و دفتربهداری و نگهبانی و سالون غذاخوری جمعاً حدود ده هزار متر زمین را اشغال کرده است. ظرفیت کارخانه روزی یکصد هزار متر از انواع پارچه‌های دبیت، کودری، پاتیس، چلوار، پارچه‌های گلدار برجسته، متقال و غیره است و در قسمت ریسندگی علاوه بر تأمین نخ مورد نیاز قسمت بافندگی کارخانه روزانه یکهزار بوقچه نخ اضافه به بازار عرضه می‌نماید. کارخانه در بدو تأسیس قریب ۲۰۰۰ نفر کارگر داشت که شبانه‌روز در سه‌پست کار می‌کردند (۲۲۲) این کارخانه با معافیت گمرکی وارد شده و در عصر سه‌شنبه ۱۳ دیماه ۳۹ افتتاح یافته است (۲۲۳). اخیراً این کارخانه متعلق به بانک ملی ایران اعلام شده است (۲۲۴).

کارخانه ریسندگی و بافندگی فخر ایران:

این کارخانه در حدود سه کیلومتر بالای هشت‌گرد واقع شده و هشت‌گرد در حدود چهار کیلومتری کرج کنار جاده آسفالت کرج قزوین است.

۲۲۲- هزینه‌ای که برای تأسیسات این کارخانه شده است از این قرار است: قیمت زمین و ساختمان ۳۶۰ میلیون ریال، ماشین‌آلات و هزینه نصب ۸۳۰ میلیون ریال، وسائط نقلیه ۱۴ میلیون ریال. سرمایه در گردش این کارخانه در موقع افتتاح ۲۱۵ میلیون ریال بوده است. این کارخانه متعلق به شرکتی بوده است مرکب از حبیب‌الله القانیان - داود القانیان - حاج محمدنقی اتفاق - حاج کاظم توکلیان - حسین نصیر زاده. مدیر کارخانه حاج میرزا عبدالله مقدم و رئیس کارخانه مهندس محمدرضا عبرتی ذکر شده است.

۲۲۳- مجله اطاق بازرگانی ش ۱۰۰ ص ۷۳.

۲۲۴- کیهان ۸۰۷۲، ۴۹۳۲۷ و اطلاعات ۱۰۲۳۹، ۳۹۴۳۹ و ۹۶۳۱، ۳۷۳۱۸.

بهره‌برداری از آن آغاز گردید. وسعت کارخانه ۵۵۰۰۰ متر مربع می‌باشد که دوازده هزار مترمربع آن زیربناست... بخش ریسندگی کارخانه ۲۰۰۰ دوک دارد و قسمت بافندگی آن ۶۰ دستگاه بافنده (۱۳۴۶). ماشین‌آلات ریسندگی و بافندگی و تکمیل آن مجموعاً از آلمان خریداری شده است. قدرت تولید کارخانه بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ متر منسوجات مختلف در روز است، ولی بعنایت رقابت پارچه‌های خارجی کمتر از ظرفیت کارخانه بهره‌برداری می‌شود. چنانکه در سال ۱۳۴۶ نیم‌میلیون متر پارچه و ۲۰۰۰۰ تخته پتو محصول داشته است. در آن سال کارخانه ۳۵۰ نفر کارگر داشته است. محصولات کارخانه پشمبافی جهان عبارتست از انواع پارچه‌های فاستونی تابستانی و زمستانی، اسپرتی، پالتوئی و پتوی پشم مرینوس (۲۲۹).

کارخانه یزدباف:

شرکت سهامی یزدباف در سال ۱۳۲۵ بمنظور تأسیس کارخانجات ریسندگی و بافندگی و چیت‌سازی و تکمیل جهت تولید انواع منسوجات تهیه شده از پنبه و الیاف مصنوعی از قبیل چیت و چلوار و پیراهنی و کدوری و پارچه‌های پشت پنبه‌ای تأسیس گردیده است. سرمایه ثبت شده شرکت یکصد میلیون ریال بوده است و معادل نود و چهار میلیون ریال نیز از وام‌های بانک ملی و صنعتی استفاده نموده است. تجهیزات این کارخانه تماماً از انگلستان و آلمان خریداری شده و ۳۲۴ دستگاه بافندگی خودکار دارد و واحدهای مجهز سفیدگری - رنگرزی - گل‌زنی تکمیل پارچه و سایر ماشین‌آلات. ساختمان این کارخانه در محوطه‌ای به مساحت یکصد هزار متر مربع در سه کیلومتری یزد در سال ۱۳۳۶ شروع شد و

۲۲۹- مدیر فنی کارخانه ابوالقاسم غضنفر است که مهندس نساجی از انگلستان است و مدیرعامل شرکت حسین گرامیان و شرکت اساساً متعلق به حاج محمد صادق فاتح و محمد علی غضنفر است (اطلاعات ۱۰۸۲۳، ۴۱۳۲۶ و ۱۲۳۴۹، ۱۵۰۴۶۰).

فعالیت داشته باشد (۲۲۶). با این حال ظاهراً در سال ۱۳۴۶ کارخانه بیش از قدرت خود کار می‌کرده است، زیرا میزان محصول آن را در روز ۷۰۰۰ متر نوشته‌اند که سالیانه بیش از ۲۵ میلیون و نیم متر می‌شود. کارخانه‌های جهان چیت در یک قطعه زمین محصور به مساحت صد هزار متر مربع بنا شده و دارای ۳۴۰۰۰ مترمربع ساختمان است. ماشین‌آلات آن از انگلستان و آلمان خریداری شده است. یعنی ماشین‌آلات ریسندگی آن از انگلستان است و دستگاه‌های بافندگی آن از انگلستان و بلژیک و ماشین‌های قسمت تکمیل آن از انگلستان و آلمان و هزینه ساختمان آن بیش از نود میلیون ریال شده و ارزش ماشین‌آلات آن بالغ بر یک میلیون لیره انگلیسی در موقع خرید بوده است و محل کارخانه جهان چیت در حاجی‌آباد واقع در دو کیلومتری کرج و ۴۲ کیلومتری جاده قزوین است. در سال ۴۹ کارخانه جهان چیت کارگاهی بنام آرمه تأسیس کرد که از مواد آلی پتروشیمی مصنوعاتی بجای اجناس کنفی می‌سازد و معادل ۶۰۰ میلیون ریال محصول سالیانه دارد (۲۲۸).

کارخانه پشمبافی جهان:

ماشین‌آلات این کارخانه در اوایل ۱۳۳۹ در محل کارخانه واقع در کیلومتر ده جاده ساوه در قاسم‌آباد تپه سفید نصب و در اواخر همان سال

۲۲۶- اطلاعات ۱۰۸۱۱، ۴۱۳۳۸.

۲۲۷- مؤسس کارخانه حاج محمد صادق فاتح است که ریاست هیئت‌مدیره شرکت جهان چیت هم زمانی با او بوده است. و اعضای هیئت‌مدیره عبارتند از محمد علی غضنفر و احمد فرهنگی که در ۱۳۴۶ سمت ریاست هیئت‌مدیره شرکت را داشته است که رشته نساجی را به مدت ۶ سال در انگلستان گذرانیده و قسمت شیمیائی صنعت نساجی را نیز طی سه سال در کشور آلمان دیده است. و مدیرعامل شرکت مهندس محمود فاتح است و مدیر فنی کارخانه مهندس منوچهر خراسانی، چهار نفر اول یزدی هستند و فاتح خود مالک حاجی‌آباد است (اطلاعات ۹۵۴۲، ۳۶۱۱۲۴ و ۱۰۴۳۹، ۳۹۱۱۳۰ که در این شماره عده دوک کارخانه ده هزار ذکر شده است و اطلاعات ۱۰۸۱۱، ۴۱۳۳۸ و ۱۲۳۴۹، ۱۵۰۴۶۰ که در آن تعداد دوکهای کارخانه ۲۰ هزار و دستگاه‌های بافندگی آنرا ۸۰۰ نوشته است).

کارخانه در دی‌ماه ۱۳۳۸ بهره‌برداری اولیه خود را آغاز کرد. این کارخانه ۱۷۰۰۰ متر زیر بنا دارد و ماهانه یک میلیون متر پارچه محصول می‌دهد و تمام نخ تولیدی کارخانه دستبافان یزد را هم که زهانی فقط نخ تولید می‌کرد این کارخانه می‌خرد. ظرفیت کارخانه روزانه چهل-هزار متر بافندگی و بیش از بیست هزار متر چاپ و تکمیل است (۲۳۰).

عده کارگران این کارخانه را تا ۶۰۰ نفر نوشته‌اند. در سال ۳۹ یک نفر متخصص خارجی (جرجیان) در این کارخانه مشغول کار بوده است (۲۳۱).

کارخانه سازمان صنعتی پشمباف:

این کارخانه مرکب از ۲۶ دستگاه ماشین بافندگی پتوی پشمی است. در این کارخانه مواد اولیه پلاستیکی تبدیل به نخ شده با استفاده از پشم مرینوس استرالیایی تبدیل به پتوهای پشمی می‌شود. کارخانه دارای ماشین‌آلات حلاجی، ریسندگی، و رنگرزی است و ظرفیت تولید آن ۵۰ هزار عدد پتو در سال است. علاوه بر پشم مرینوس از پشم مودیل و مخلوطی از دو رقم پشم مزبور هم در این کارخانه استفاده می‌شود و این تنها کارخانه پتوبافی است که پتوهای دونفره تهیه می‌کند. این کارخانه متعلق به مراد اریه و مدیر آن رفیع اریه است (۲۳۲).

کارخانه پشمبافی کشمیر:

این کارخانه در کرمانشاه [باختران] تأسیس و برای ایجاد آن سیصد میلیون ریال سرمایه‌گذاری شده و علاوه بر پارچه‌بافی، این کارخانه

۲۳۰- رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت یزدباف در بدو امر حاج میرزا تقی- رسولیان بوده و اعضای هیئت‌مدیره رضا حکیمزاده و محمود ریسمانی و مدیر فنی کارخانه دکتر مهندس محمد طاهری.

۲۳۱- اطلاعات ۱۰۷۹۸، ۴۱۷۲۲ و ۴۱۰۸۱۵، ۴۱۳۱۳ و ۴۱۰۸۱۴، ۴۱۳۱۲ و ۴۱۰۸۲۰، ۴۱۳۱۹ و ۴۱۰۴۵۹، ۴۱۲۲۵ و ۳۹۱۲۲۵.
۲۳۲- اطلاعات ۱۰۴۱۰، ۴۱۰۲۴ و ۳۹۱۰۲۴.

در سال ۲۵۰۰ تن پشم را می‌شوید و پس از عدل‌بندی به‌خارج صادر می‌نماید. از نظر پارچه‌بافی حدنصاب تولید این کارخانه سالانه یک میلیون متر پارچه است. از سرمایه کارخانه یکصد میلیون ریال بطور وام از بانک توسعه صنعتی و معدنی گرفته شده است. کارخانه در زمینی به مساحت ۱۳۰۰۰۰ متر و در ساختمانهایی به مساحت ۱۶۲۵۰ متر استقرار یافته است. ساختمان کارخانه در اردیبهشت ۴۸ شروع شده و در شهریور ۴۹ پایان یافته است. محصولات کارخانه عبارتست از انواع پارچه‌های پشمی زنانه، انواع فاستونی مردانه انواع پتو و نخ برای قالی. محل کارخانه ۱۵ کیلومتری کرمانشاه است و در آغاز کار خود حدود ۷۰۰ نفر کارگر زن و مرد و ۲۵ نفر کارمند در آن مشغول بکار بودند و میزان محصول سالانه آن را ۶۰۰۰۰۰ متر در نظر گرفته بودند. در این کارخانه کلیه امور مربوط به بافت پارچه، از نشستن پشم و رنگ‌آمیزی تا نخ‌ریسی و نقشه‌کشی و تولید الگو و بافت و اتوکردن پارچه صورت عمل می‌پذیرد (۲۳۳).

کارخانه ریسندگی و بافندگی پشم هرنند:

این کارخانه روز اول آبان ۴۵ ساعت ۱۱ صبح افتتاح شد و متعلق به شرکتی است (۲۳۴).

کارخانه در موقع افتتاح دارای ۲۰۰ دوک و محصول روزانه آن با دو مرحله کار ۷۰ بوقچه پشم رشته بوده است و در نظر بوده است که آن را به ۱۵۰ بوقچه و ۳۹۰ دوک برسانند و ریسندگی پنبه و بافندگی پتو نیز به آن اضافه شود و نیز برق آن را طوری ترتیب دهند که برق شبانه‌روزی هرنند را تأمین نماید (۲۳۵).

۲۳۳- کارخانه متعلق به عطاءالله افشاربازرگان یزدی است (کیهان ۸۱۴۱، ۱۵۶۱۵، ۴۹۶۱۵).

۲۳۴- مرکب از حاج سیدعباس تاج‌زاده رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل کارخانه و حسن دیباگی هرنندی و رضا امین زاده هرنندی و حاج محمد نیک زاده هرنندی و حاج رضا جعفری هرنندی و حاج حسن شانه‌ساز زاده شرکاء و مؤسسين کارخانه.

۲۳۵- اطلاعات ۱۲۱۱۷، ۴۵۸۰۵.

۲۴ میلیون متر	کاشان	»	»	»	»
۲۷ میلیون متر	بهشهر	»	»	»	»
۷ میلیون متر	شوش	»	»	»	»
۲ میلیون متر	خسروی مشهد	»	»	»	»
۲۸ میلیون متر	شهناز	»	»	»	»
۴ میلیون متر	سوسن	»	»	»	»
۸ میلیون متر	نجف آباد	»	»	»	»
۷ میلیون متر	زاینده رود	»	»	»	»
۱ میلیون متر	آذربایجان	»	»	»	»

تولید قماش نخ‌ی در ۱۳۴۹ به چهار صد و پنجاه میلیون متر رسید (۲۳۹).

ب - تولید پارچه‌های پشمی :

۶۰۰۰ هزار متر	شرکت سهامی کارخانجات مقدم
۴۱۰ هزار متر	شرکت سهامی ریسیباف اصفهان
۳۹۶ هزار متر	شرکت سهامی درخشان یزد
۵۹۹ هزار متر	ریسندگی وطن
۴۱۰ هزار متر	ریسندگی و بافندگی کوراغلی
۵۲۱ هزار متر	ریسندگی و بافندگی افشار یزد
۸۴۰ هزار متر	ریسندگی و بافندگی تاج اصفهان
۱۴۰۰ هزار متر	صنایع پشم اصفهان
۵۵۰ هزار متر	پشمبافی جهان

ج - تولید پتو :

۲۵۰۰۰۰ تخته	کارخانه کوراغلی
۱۲۰۰۰۰ تخته	ریسیباف
۱۰۴۱۰ تخته	درخشان یزد

علاوه بر کارخانه‌هایی که ذکر آنها گذشت، کارخانه‌های دیگری نیز از ریسندگی و بافندگی و یا هر دو قسم در ایران دایر است که متأسفانه اطلاعاتی از مشخصات و خصوصیات آنها بدست نیامد، مانند کارخانه «آقا» (۲۳۶) و کارخانه افشار (۲۳۷) و کارخانه جنوب (۲۳۸) و کارخانه سعادت نساجان یزد که چندین سال پیش با پشت کار استاد غلام صنعتی تأسیس شده و بارها هیئت مدیره و گردانندگان آن تغییر یافته‌اند و یکی دو کارخانه دیگر در شهرستان یزد و کارخانه پتوبافی قیصریه که جز نام چیزی از آن معلوم نشده است.

رقم تولید نساجی در سال ۱۳۴۶ در همه کشور بنا به آمار مجله اطاق صنایع و معادن ایران شماره دوم دوره جدید شهریورماه ۱۳۴۷، ۴۳۵ میلیون متر ذکر شده که ۳۴۵ میلیون متر آن متعلق به کارخانجات بزرگ نساجی، ۲۰ میلیون متر متعلق به کارخانجات کوچکتر و ۷۰ میلیون متر نتیجه فعالیت کارگاههای دستی روستائی و شهری داخل خانه‌ها برآورد کرده بودند از اینقرار:

الف: تولید پارچه‌های نخ‌ی :

۲۴ میلیون متر	شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی ری
۱۰ میلیون متر	سیمین
۲۳ میلیون متر	جهان چیت
۲۴ میلیون متر	ممتاز
۲ میلیون متر	نخکار
۳۶ میلیون متر	چیت‌سازی ایران
۲۲ میلیون متر	فخر ایران
۲ میلیون متر	اطلس باف

۲۳۶ - متعلق به آقاسید محمد آقا پسر آقاسید علی اصغر آقا.

۲۳۷ - متعلق به خانواده افشار یزدی و ورثه حاج علی اصغر اردکانی زاده.

۲۳۸ - متعلق به رضا صراف نماینده اسبق یزد پسر آقاعلی صراف و داماد آقاشیخ محمود

ریسمانی و همین شخص اخیرالذکر.

صنایع پشم
وطن
افشار یزد

۱۳۷۰+۴۰ تخته
۸۶۰۶۷ تخته
۳۳۲۰۵ تخته

از کارخانه‌های پارچه‌بافی نیمه‌ماشینی یعنی ماشینی و دستی دو کارخانه یزد و کرمان است که اکنون بشرح آن پرداخته می‌شود:

کارخانه دستبافان یزد و کرمان:

در سال ۱۳۳۵ بنگاه مهندسی سازمان برنامه مقدمات ساختمان دو کارخانه دستباف نساجی را در یزد و کرمان فراهم ساخت و برای ساختمان این دو کارخانه مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ ریال منظور کرد (۲۴۰). کارخانه دستبافان کرمان در بهمن ۳۸ افتتاح شد. ماشین‌آلات این کارخانه از طرف اصل ع اهداء شده بود و بقیه هزینه آنرا سازمان برنامه پرداخت. مساحت زیربنای کارخانه کرمان ۲۸۰۰ مترمربع است و دارای ۱۲۶ دستگاه ماشین بافندگی است. تعداد کارگران این کارخانه در بدو تأسیس ۱۲۱ نفر مرد و زن بود که حقوق هر یک روزانه از ۶۰ ریال کمتر نبود و پیش‌بینی می‌شد که محصول سالیانه کارخانه ۷۰۰۰۰۰ متر پارچه باشد. سهامداران کارخانه مزبور ۲۴۰ نفر بودند و قرار بود هزینه پرداختی سازمان برنامه را به اقساط بپردازند (۲۴۱). کارخانه دستبافان یزد نیز در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۳۹ شروع بکار کرد. این کارخانه دارای ۱۲۰ دستگاه ماشین بافندگی نیمه خودکار و یک موتور دیزل برای برق و یک دستگاه رنگرزی بود. برای ساختمان و هزینه‌های دیگر آن سازمان برنامه قریب ۵ میلیون ریال پرداخته بود (۲۴۲).

منطقه ابریشم‌خیز گیلان از اواسط زمان ناصرالدین‌شاه به‌منظور

۲۴۰- اطلاعات ۹۱۳۴، ۳۵۷۱۵.

۲۴۱- اطلاعات ۱۰۱۲۷، ۳۸۱۱۱۰.

۲۴۲- اطلاعات ۱۰۲۰۵، ۳۹۲۲۱.

تأسیس کارخانه ابریشم‌بافی مورد توجه قرار گرفت، باین معنی که در سال ۱۲۷۳ که فرخ‌خان امین‌الملک کاشانی به‌سفارت به‌دربار ناپلئون سوم رفته بود، در پاریس بایکی از بازرگانان فرانسه بنام دبل گفتگوئی درباره روابط تجارتي بین ایران و فرانسه و تأسیس کارخانه‌هایی از طرف سرمایه‌داران آن کشور در ایران بعمل آورد و «... به استحضار و اجازه دولت... با موسیو دبل شرطنامه معتبر پابه‌مهر نوشته و رد و بدل نمودند که در سنه ۱۲۷۴ در ایران در هر شهر که اولیای دولت... مصلحت بدانند بنای کارخانه را خواهد گذاشت...» (۲۴۳) و بقولی دیگر تجارتخانه دبلت (۲۴۴) در پاریس انحصار دایر کردن و اداره نمودن کارخانه‌های نساجی را برای مدت ۲۳ سال (از ۱۸۵۷ تا ۱۸۸۰ میلادی) گرفت (۲۴۵) ولی این کار به‌ثمر نرسید، زیرا ارتباط میان ایران و فرانسه دشوار بود و آوردن کارخانه‌ها به‌اشکال تمام صورت می‌گرفت و اطمینان کافی از سرمایه‌ای که در این راه مصرف می‌شد نبود، و از همه مهمتر جنگ فرانسه و آلمان و برافتادن حکومت ناپلئون سوم اوضاع را بکلی دگرگونه ساخت. بدنبال آن بقول ماکنزی از سال ۱۸۵۹ مسئله بهبود نساجی بومی ایران خیلی مطرح مذاکره بوده است، و حتی در تحت مراقبت روسها و با سرمایه روسی یک کارخانه ابریشم‌بافی کاملی در «برکاده» نزدیک رشت بتوسط آقای محمدحسن رشتی دایر، ولی بعلل سیاسی و سوء اداره بزودی تعطیل شد (۲۴۶).

کارخانه امین‌الضرب:

حاج محمد حسن امین‌الضرب که پیشقدم بسیاری از کارهای اقتصادی مربوط به تمدن جدید در ایران بود، در سال ۱۳۰۴ یا ۱۳۰۵

۳۴۳- مخزن الوقایع بکوشش کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی زعفرانلو ص ۲۶۸.

۲۴۴- (Debbelt)

۲۴۵- مجله فلاح و تجارت دوره دوم ش ۴ ص ۱۳۹.

۲۴۶- همان مرجع.

ه.ق. يك كارخانه ابریشم‌تابی را با اسباب و آلات کامل از لیون فرانسه وارد کرد و در شهر رشت بکار انداخت. ماشین‌ها و وسایل این کارخانه را نجارتخانه «برتود» (۲۴۷) در شهر لیون ساخته بود و کارخانه‌ای از هر جهت کامل بود. این کارخانه شامل ۱۵۰ قطعه ظرف برای باز کردن پیله و ۷۵ قطعه اسباب جراثقالی برای زدن پیله‌ها و روش کار آن، روش معروف به‌تاولت (۴۸) بود. سوخت کارخانه مازوت بود که از بادکوبه وارد می‌شد. اجزای کارخانه همه ایرانی و از قرار ذیل بودند:

يك نفر ماشین‌چی که دو نفر متصدی آتشخانه به‌او کمک می‌نمودند. صد و پنجاه نفر زن برای رشتن ابریشم که هر نفر از آنها يك تا دو قران در روز اجرت داشتند. هشتاد و پنج نفر زن برای زدن پیله‌ها که هر يك از ده‌شاهی تا چهار عباسی در روز اجرت می‌گرفتند. هفتاد و پنج دختر بچه برای کارهایی از قبیل حمل و نقل پیله‌ها به‌ماشین‌زدن. باز کردن پیله‌ها که هر کدام روزی دو عباسی تا ده‌شاهی مزد داشتند. چهار نفر سرپرست. بعداً يك نفر فرانسوی بنام «پلانته» (۲۴۹) بعنوان مدیریت و دوتن زن فرانسوی بهمین عنوان در کارخانه استخدام شدند که در واقع زنان، سمت معاونت پلانته را داشتند. این کارخانه هفته‌ای دویست کیلو ابریشم تهیه می‌نمود، یعنی بحد متوسط هر کارگر ۲۲۵ گرم. کارگران کارخانه دقیق و کوشا بودند و امید پیشرفت کارخانه بسیار بود. يك کارخانه قالب کردن ابریشم نیز از مصنوعات کارخانه برتود در مجاورت کارخانه دایر شد، ولی بکار نیفتاد زیرا نساجان ایرانی ابریشمی را که بوسیله ماشین قالب شده بود، نمی‌پسندیدند و در اروپا هم ابریشم قالب شده مشمول مالیات اضافی بود. ابریشم محصول کارخانه خیلی خوب بود و در لیون و میلان به‌قیمت بهترین ابریشم‌های شهر بروسه (۲۵۰) به‌فروش می‌رسید، ولی

Berthaud	—۲۴۷
Tavelette	—۲۴۸
Plantier	—۲۴۹
Broussé	—۲۵۰

کارخانه بعلمت اشتغالات مرحوم امین‌الضرب بطور مرتب کار نمی‌کرد و گاه چندین ماه تعطیل می‌شد و اگر واقعاً مورد مراقبت و مواظبت دقیق می‌بود حتماً سود بسیار حاصل می‌نمود. علی‌الخصوص که اجرت کار هم خیلی کم بود. اشکال دیگر کارخانه این بود که کارگران آن همه زن و دختر بودند و می‌بایست بدون نقاب و حجاب کار کنند و از طرف دیگر در این صنعت ریاست و مراقبت جدی مردها لازم است و این دو مسئله در آن روز مانعة‌الجمع بود (۲۵۱).

کارخانه فلاتوری روستا:

در سال ۱۳۰۷ میرزا احمد عباسقلی‌زاده روستا در شهر رشت کارخانه‌ای برای رشتن پیله ابریشم مطابق اصول جدید احداث نمود. سرمایه این کارخانه تقریباً یکصد هزار تومان بود. عددهنگ‌هایی که بکار می‌بردند ۲۴ بود، ولی در نظر داشتند آن را به ۴۸ لنگ برسانند. مصرف پیله کارخانه تقریباً سالی ۱۶۰۰ تن بود و عدده کارگر آن ۷۰ نفر زن و مخارج روزانه‌اش هزار تومان (۲۵۲)، این کارخانه تار ابریشم نمره ۱۲ و ۱۵ می‌داد، ولی می‌توانست تا ۱۸ و ۲۱ هم که باب آمریکا بود، بدهد. اجرت کارگران آن از روزی ۳ تا ۶ قران بود و عمله‌ها روزی هشت ساعت کار می‌کردند (۲۵۳).

کارخانه حریربافی چالوس:

چون مازندران هم مانند گیلان استعداد پرورش کرم ابریشم دارد، کارخانه حریربافی در آن منطقه، در شهر چالوس دایر گشت. این کارخانه روز ۱۶ مرداد ۱۳۱۶ افتتاح شد. کارخانه مزبور از پنج قسمت تشکیل شده بود:

- ۲۵۱— مجله فلاح و تجارت دوره دوم ش ۴ ص ۱۳۹.
- ۲۵۲— مجله اطاق تجارت ش ۷ ص ۳۷.
- ۲۵۳— همان مجله ش ۱۷ ص ۳۸.

۱- قسمت نخ‌کشی با ۴۸۰ دستگاه که با ده ساعت کار در روز می‌توانست سالیانه ۵۰۰ تن پیلۀ خشک را نخ‌کشی و در نتیجه یکصد هزار کیلو نخ تهیه نماید.

۲- قسمت تابیدن که نخ را بصورت‌های گوناگون و ضخامت مختلف می‌تابید.

۳- قسمت بافندگی که دارای ۳۲۰ دستگاه بافندگی اصلی و مقداری ماشین‌های فرعی بود و با روزی ده ساعت کار سالیانه بیش از یک میلیون متر پارچه می‌بافت.

۴- رنگرزی و شست و شوی پارچه و بار دادن که بوسیله مواد شیمیائی پارچه را رنگ‌آمیزی می‌نمود و بار می‌داد و به نسبت مطلوب پارچه را وزین می‌ساخت.

۵- قسمت برق که در ابتدا دارای دو موتور هریک به قوه هشتصد اسب و چند موتور کوچک دیگر بود و منجمله یک دستگاه موتور دیزل در تعمیرخانه برای موارد احتیاط داشت. این کارخانه پیلۀ ابریشم را تبدیل به ریسمان کرده بعد پارچه ابریشمی از آن می‌بافت. علاوه بر پارچه‌بافی، قسمت جوراب‌بافی نیز داشت و محصولات آن هم خوب بود. از مقدار یکصد هزار کیلو نخ که از قسمت نخ‌کشی آن تحویل تابندگی می‌گردید، هفتاد هزار کیلوی آن برای مصارف قسمت بافندگی کارخانه تهیه می‌شد و ۲۲ هزار کیلو نخ برای جوراب و پارچه‌های ژرسه و ۳ هزار کیلو برای خیاطی. قسمت رنگرزی و تکمیل کارخانه از پنج شعبه مختلف تشکیل شده بود. صباغی، بار دادن پارچه، نقش زدن پارچه، تهیه و تکمیل لابراتوار قسمت تعمیرخانه دارای ماشین‌های لازم برای تعمیرات بود. برای سوخت دیکهای بخار، زغال‌سنگ، نفت و چوب پیش‌بینی شده بود. کلیه ماشینهای کارخانه با الکتروموتور حرکت می‌کرد (۲۵۴). این کارخانه

پیش از آوردن به ایران در شهر لیون مورد استفاده بوده است (۲۵۵) و در آغاز کار در ایران حدود ۱۶۰۰ کارگر داشت. در سال ۱۳۳۳ برای توسعه و تکمیل این کارخانه، مبلغ هشتصد هزار دلار از محل اعتبار ۵ میلیون فرانک فرانسه، برای خرید دستگاههای ماشین جدید حریربافی و تهیه پارچه‌های فانتزی و طرحهای مورد پسند اختصاص داده شد. با ورود این دستگاهها کارخانه می‌توانست محصول سالیانه خود را تا حدود یک میلیون متر پارچه ابریشمی افزایش دهد. ضمناً یک موتور دیزل برای کارخانه خریداری شد (۲۵۶). یک کارخانه ابریشم‌کشی هم در رشت بوده که در دیماه ۱۳۳۴ آگهی مزایده آن تمديد شده است و معلوم نشد که از کارخانه‌های سابق بوده یا کارخانه دیگری. این کارخانه ۲۴ لگنچه فلاتوری ساخت ایتالیا و ۱۸۰ دوک و دستگاه ابریشم‌بازکنی و یک دستگاه کلاف‌کنی و ماسوره‌کنی و لوازم پخش و دیک بخار و دو موتور محرکه با مقداری لوازم یدکی بوده و باغ و ساختمانهای هم داشته است (۲۵۷).

کارخانه مخمل و ابریشم کاشان :

شرکت سهامی کارخانجات مخمل و ابریشم کاشان در سال ۱۳۲۹ بوجود آمد. این کارخانجات فعلاً از سه قسمت ریسندگی و حریربافی و مخمل‌بافی تشکیل شده و این سه قسمت در کنار هم در یک محدوده ۱۲۰۰۰ متری که ۶۵۰۰ متر آن زیربناست قرار دارد. قسمت مخمل‌بافی این تأسیسات، گذشته از سالن‌های رنگرزی و تکمیل و چاپ، دارای چهار سالن بافندگی است به این شرح:

۱- ۴۵ دستگاه ماشین بافندگی که انواع مخمل‌های پتوئی و مبلی تهیه می‌کند.

۲۵۵- مجله بازرگانی و اقتصاد مهر ۳۲ ص ۱۴.

۲۵۶- اطلاعات ۸۴۷۳، ۱۴/۳۳۶.

۲۵۷- اطلاعات ۸۸۸۶، ۱۴/۴۳۱۰.

۲- ۵۰ دستگاه ماشین بافندگی که انواع مخمل‌های شیفون ونخی در آن تهیه می‌شود.

۳- ۳۰ دستگاه ماشین بافندگی که تهیه‌کننده انواع مخمل‌های مبلی پلاش و ایرلوم و ریزه‌لوم و پارچه‌های بدون فاکو و سجاده است.

۴- ۷۱ دستگاه ماشین بافندگی که تهیه‌کننده مخمل‌های کبریتی است. مجموعه ماشین‌های بافندگی قسمت مخمل‌بافی این تأسیسات به ۲۰۵ دستگاه می‌رسد و از سه کشور آلمان و بلژیک و ژاپن خریداری شده است. ماشین‌آلات قسمت رنگرزی و تکمیل آن فرانسوی و آلمانی است و دستگاه‌های چاپ کارخانه هم از آلمان خریداری شده است و نیز دستگاه‌های بافندگی بدون ماکوی آن. محصول قسمت مخمل‌بافی عبارتست از انواع مخمل‌های شیفون و نخی و پلاش و ژاگارد (برجسته) مبلی الوان. مبلی نایلون، سجاده و انواع مخمل‌های کبریتی با نقشه‌های گوناگون. واحد ریسندگی این کارخانه دارای ده هزار دوک است و قسمت حریربافی آن که به‌تهیه انواع پارچه‌های چادری و حزیر می‌پردازد، سیصد دستگاه بافندگی دارد و در همه این کارخانه ۲۰۰۰ نفر کارگر بکار اشتغال دارند. این کارخانه به‌سرپرستی حاج‌حسن تفضلی و معاونت محمود ضیائی که رشته مدیریت صنعتی را در امریکا دیده است اداره می‌شود (۲۵۸) و به‌اهتمام آقایان تفضلی و لاجوردی ایجاد شده است (۲۵۹).

گونی‌بافی

مواد اولیه این صنعت کنف و سایر الیاف گیاهی است که در نواحی ساحلی دریای خزر بعمل می‌آید. نخستین کارخانه گونی‌بافی در سال ۱۳۱۳ در شهر رشت تأسیس شد. این کارخانه توسط شرکت سهامی

۲۵۸- اطلاعات ۱۲۳۴۶، ۱۱۲۳۴۶، ۴۶۵۱۱.

۲۵۹- اطلاعات ۱۱۷۲۲، ۱۱۷۲۲، ۴۴۴۱۵.

تجارتی و صنعتی گیلان و مازندران تأسیس گردید. تاریخ تأسیس شرکت بهمن ۱۳۰۹ است، ولیکن در خرداد ۱۳۱۰ شروع به‌عملیات کرده است. سرمایه شرکت هشت میلیون ریال منقسم به‌هشت هزار سهم یکهزار ریالی بود که تماماً پرداخت شده بود. کلیه ماشین‌آلات کارخانه از انگلستان خریداری شده بود و مخارج خرید و حمل و نقل و سوار کردن کارخانه و بهای موتورها و دیناهها و الکتروهوتورها و نصب آنها و قیمت زمین و هزینه ساختمان جمعاً در حدود ۶۰۰۰۰۰۰ ریال گردید (۲۶۰). مجموع ماشین‌آلات کیسه‌بافی و شتایی این کارخانه ۷۶ دستگاه بود بشرح زیر:

۱- ۱۵ دستگاه ماشین‌های مقدماتی از قبیل ماشین کنف نرم کنی. کنف‌باز کنی، شانه ریسندگی آهار زنی نخ تار. کلاف پیچی و ماسوره- پیچی.

۲- ۴۰ دستگاه ماشین‌آلات بافندگی.

۳- ۱۵ دستگاه ماشین‌های تکمیلی از قبیل ماشین برش ذرعی، اطو، دوخت، عدل‌بندی.

۴- ۶ دستگاه ماشین و شتایی از قبیل ماشین تاب نخ، لعاب، کوره- سازی. توپ‌سازی. کلاف پیچی. و مجموعه دوک‌های ماشین‌های ریسندگی و تابندگی کارخانه ۹۵۰ عدد بود. بعلاوه کارخانه دو موتور هر یک به‌قوة ۲۲۵ اسب و یک موتور به‌قوة ۶۰ اسب داشت که مجموعاً ۵۱۰ اسب می‌شد. کارخانه مزبور در آغاز تأسیس سالیانه دو میلیون و نیم متر پارچه کیسه و لفاف به‌عرض ۱۴۰ سانت و ۶۶ هزار کیلو نخ کلاف و قندی محصول داشت که با ۵۰۰۰ نفر کارگر در شبانه‌روز کار حاصل می‌شد. کارخانه در زمینی به‌مساحت ۳۵۰۰۰ گز مربع ساخته شده بود و مجموعه اراضی زیر ساختمان بنای آن ۷۵۰۰۰ گز مربع بود. ساختمان این کارخانه در مهر ۱۳۱۱ به‌پایان رسید و کارخانه در ساعت سه بعد از ظهر روز شنبه ۲۵

۲۶۰- مجله اطاق تجارت ش ۱۳۰ و ۱۳۱ ص ۲۷ و اطلاعات ۲۱۵۹، ۲۰۱۳۱۲۰.

فروردین ۱۳۱۳ افتتاح شد (۲۶۱). در سال ۱۳۱۵ کارخانه از جهت ماشین و قوای محرکه یک برابر بزرگتر شد، یعنی هیئت مدیره سفارش ۷۶ دستگاه ماشین آلات جدید داد (۲۶۲).

در ۳۱ شهریور ۳۳ مجمع عمومی فوق العاده شرکت، سرمایه شرکت را از ۳۰ میلیون ریال به ۴۵ میلیون ریال افزایش داد (۲۶۳).

مع هذا این کارخانه هم دچار نابسامانی و بحران شد و روبه ورشکستگی رفت، بطوری که در سال ۱۳۳۸ بیش از بیست میلیون ریال قرض به بانک اعتبارات صنعتی و سایر بانکها داشت و در رهن بوده است تا ماشین آلات جدید وارد کند. از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۸ نیز میان کارخانه و شهرداری رشت بر سر عوارض اختلاف بود که به ۱۱۰ ماه تقسیط گردید. این کارخانه با تزئید ماشین آلات شرکت نساجی شاهی و بکار افتادن کارخانه محمودآباد که دیناری عوارض نمی پرداخت و پنج سال نیز از مالیات معاف بود، دچار رقابت سخت شده بود (۲۶۴) و آخر هم در سال ۱۳۴۲ شهرداری رشت بعلت عدم پرداخت بدهی در مقام توقیف و فروش کارخانه برآمد و آگهی فروش آن را بدین قرار منتشر ساخت (۲۶۵):

۲۶۱- مجله اطاق تجارت ش ۱۳۰ ۱۳۱ ص ۲۷ و اطلاعات ۲۱۵۹، ۲۰۱۳۰۱۳۱.

۲۶۲- اطلاعات ۲۷۹۵، ۱۵۳۳۵.

۲۶۳- اطلاعات ۸۴۹۰، ۳۳۳۷۵.

۲۶۴- اطلاعات ۹۹۱۵، ۳۸۲۲۹.

۲۶۵- ماشین جسم کلاف پیچی درافت ساخت اسکاتلند و الکتروموتور دینام و بوبین

و لوازم مارک آ. ا. گ. یک دستگاه چهارصد هزار ریال.

۲- ماشین جسم کلاف پیچی درافت ساخت اسکاتلند انگلیس و الکتروموتور دینام و بوبین مارک آ. ا. گ. یک دستگاه چهارصد هزار ریال.

۳- ماشین نختابی بزرگ (شانه اول)، الکتروموتور بزرگ مارک آ. ا. گ. و لوازم یک دستگاه پانصد هزار ریال.

۴- ماشین جسم درافت شانه با الکتروموتور و لوازم یک دستگاه چهارصد هزار ریال.

۵- ماشین جسم درافت و الکتروموتور با لوازم یک دستگاه چهارصد هزار ریال.

دنباله پاورقی در صفحه بعد

کارخانه گونی بافی شاهی [قائم شهر]:

این کارخانه در سال ۱۳۱۷ تأسیس شد و در اردیبهشت ۱۳۱۸ شروع بکار کرد. قسمت ریسندگی این کارخانه دارای ۱۲۸۰ دوک و قسمت بافندگی آن دارای ۵۰ دستگاه بافندگی است و میزان متوسط محصول سالیانه آن ۲۱۹ هزار کیلو نخ و تقریباً سه میلیون و نیم متر گونی بود. مرکز برق و بخار آن مرکب است از سه دستگاه توربین هریک به قدرت ۸۰۰ کیلووات نیرو. بعلاوه دستگاه دوخت گونی و تعمیرخانه و نجارخانه هم دارد (۲۶۶).

کارخانه گونی بافی جدید:

در اوایل سال ۱۳۲۵ در محوطه همان کارخانه قدیم تأسیس شد و ۱۲۰ دستگاه بافندگی دارد و ماشین آلات آن هم خود کار می باشد و نسبت به کارخانه قدیم ۳۰۰۰ کمتر از آن است و به این جهت دویست نفر کارگر در دونوبت می توانند حداکثر ظرفیت کارخانه را کار کنند. این کارخانه سالیانه هفت میلیون متر چنائی محصول دارد و افت هم ندارد، یعنی تمام کنف تبدیل به محصول می شود، برخلاف کارخانه قدیم که تا ۱۵ درصد افت داشت. با بهره برداری از این کارخانه میزان مصرف کنف در ایران به شش هزار تن رسید (۲۶۷).

دنباله پاورقی از صفحه قبل

۶- ماشین روبند نختاب بزرگ Fair bairn با الکتروموتور A.E.G. و لوازم یک دستگاه هشتصد هزار ریال.

۷- ماشین شانه کنف جسم درافت و الکتروموتور و لوازم یک دستگاه هشتصد هزار ریال.

۸- ماشین روبند نختاب الکتروموتور مارک آ. ا. گ. و لوازم یک دستگاه هشتصد هزار ریال

۹- دو دستگاه ماشین بزرگ چله بندی آهار نخهای بافندگی با دینامهای کوچک که ارزش هریک، یک ملیون ریال تعیین گردیده... که عموماً منسوب در سالنهای قدیم و جدید کارخانه گونی بافی رشت اعلام شده بود، به ارزش کل ۶۰۰۰۰۰۰ ریال (اطلاعات ۱۱۲۱۲، ۱۶۱۲۱۶).

۲۶۶- ماهنامه سازمان برنامه ش ۵ و ۶ و ۷ ص ۸۵.

۲۶۷- اطلاعات ۹۹۲۲، ۳۸۳۳۶.

کارخانه گونی بافی محمود آباد مازندران :

ساختمان این کارخانه در ابان ۳۵ از طرف طاهباز و شرکاء شروع شد و قرار نبود که بزودی ماشین آلات آن نصب شود (۲۶۸). این کارخانه در سال ۱۳۳۸ بطور آزمایش شروع بکار کرد.

گزارشی از وضع صنعت ریسندگی و بافندگی در کشور (۲۶۹)

در سال ۱۳۳۳ صنایع کشور دچار بحران و کسادى بازار شده بود و گویا برای این موضوع به موجب تصویبنامه ۳۴۲۲۴ هیئت وزیران مقرر شد که کمیسیونی با مشارکت نمایندگان وزارت دارائی، کار، اقتصاد ملی، کشاورزی، سازمان برنامه، بانک ملی، هیئت نظارت صنعتی، اطاق بازرگانی تهران و شورای صنعتی تحت نظر حاج محمد نمازی وزیر مشاور تشکیل شود و با جلب نظر اشخاص مطلع در ظرف يك ماه اوضاع کارخانجات کشور را مورد بررسی قرار داده برای کمک یا کمک‌هائی که می‌توان کرد و نحوه آن گزارش مبسوط تهیه و به دولت تسلیم نمایند... و چون این گزارش نماینده تاریخچه و تحولات صنعت ریسندگی و بافندگی کشور تا تاریخ فوق است با حذف بعضی از قسمت‌های جزئی که لزومی برای نقل آن دیده نشد مورد استغاده قرار داده می‌شود.

در این کمیسیون که بقول خودشان از اشخاص بصیر تشکیل شده بود چنانکه ادعا می‌کردند سه هدف اصلی همواره مورد نظر بوده است.

۱- توجه خود را منحصرأ به کشف حقایق معطوف سازند و آنچه را که کشف می‌شود گزارش دهند ولو اینکه با منافع یا مصالح یا تمایلات افراد یا جمعیت‌هائی معارض باشد و افشاء آن حقایق رنجش یا عدم رضایت را فراهم سازد...

۲۶۸-۹۱۴۷، ۱۳۵۸.

۲۶۹- مجله بازرگانی تهران ش ۱۴ و ۱۵ شهریور ۱۳۴۴ ص ۳۱.

۲- کوشش شود ارقام حتی المقدور منکی به صحیح‌ترین و دقیق‌ترین آمار و اطلاعاتی باشد که بدست آوردن آنها از منابع موثق امکان‌پذیر است. به‌وجب این گزارش صنعت نساجی... در ۲۳ سال گذشته پنج مرحله مختلف را طی کرده است:

۱- از ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۰ نه سال دوره تکوین و منافع معتدل مسلم.

۲- از ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۵ پنج سال دوره جنگ و منافع سرشار.

۳- از ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۹ چهار سال دوره رکود بعد از جنگ و تقلیل منافع.

۴- از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ سه سال دوره بازگشت بحال عادی و منافع معتدل.

۵- از ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۴ دو سال دوره رکودی که منجر به بحران... شده.

کارخانجات نساجی دوره اول در اثر چهار عامل محرکه بوجود آمدند:

اول- ایجاد امنیت انتظامی و قضائی و از بین بردن مراکز نفوذهای نامشروع محلی.

دوم- تشویق دولت بوسیله وضع قانون تجارت و وادار کردن بازرگانان و سرمایه داران به تشکیل شرکتها و تأسیس کارخانجات.

سوم- قانون انحصار تجارت که حمایت از مصنوعات داخلی را نه فقط بوسیله حقوق گمرکی و سود بازرگانی، بلکه بدو بوسیله محدودیت و بعداً بوسیله ممنوعیت واردات نخ تأمین و تضمین نمود.

چهارم- فراهم آوردن کلیه تسهیلات برای کارخانجاتی که تأسیس می‌شد. از قبیل: کمکهای مالی به وسایل مختلف. تشویق زارع در افزایش زراعت به منظور تهیه مواد خام لازمه مانند چغندر و پنبه. تأسیس کارخانجات و دستگاههای امدادی برای تسهیل و پیشرفت امور کارخانجات

اصلی مانند تأسیس شرکت پنبه و تأسیس دستگاههای پنبه پاک کنی (چین) در نقاط مختلف کشور... آوردن متخصصان خارجی برای سرپرستی و مراقبت فنی از کارخانجات نوساز. تأمین بازار فروش محصول کارخانجات از قبیل وضع مقررات استعمال پارچه‌های وطنی در ارتش و ادارت دولتی و مدارس و تشویق تأسیس دستگاههای کشفافی و معافیت ماشین‌آلات کارخانجات از پرداخت حقوق گمرکی.

در طی دوره اول... بیست و هشت کارخانه که دارای ۲۱۷۸۵۸ دوك ریسندگی بودند دایر شد. این کارخانجات در بدو امر منحصرأ در قسمت ریسندگی اشتغال داشتند و در حدود سال ۱۳۱۷ یا ۱۳۱۸ موفق شده بودند کلیه نخ مورد احتیاج قالی‌بافی و دستگاههای پارچه‌بافی دستی و دستگاههای کشفاف را تهیه و تأمین نمایند. ضمناً دستگاههای بافندگی ماشینی هم تدریجاً دایر گردید.

چنانکه کارخانجات چیت‌سازی بهشهر و شاهی [قائم‌شهر] در سال ۱۳۱۱ و ۱۳۱۴ تأسیس شدند. منافع خالص کارخانجات در حدود صدی بیست تا صدی بیست و پنج بود و در نتیجه این منافع مسلم که بوسیله محدودیت یا ممنوعیت ورود نخ در حقیقت تضمین شده بود، صاحبان اندوخته‌ها که تا آن وقت عادت نکرده بودند اندوخته‌های خود را بوسیله شرکت‌ها روی هم ریخته و بکارهایی بیندازند که از قوه سرمایه‌های انفرادی خارج است، بدواً به‌اصرار دولت و بعداً به‌میل و رغبت خود حاضر شدند شرکت سهامی تشکیل داده و در کارهای صنعتی وارد شوند. گذشته از حمایت از رقابت خارجی و تأمین منافع مسلم صدی ۲۵، فقط مالیات بردرآمد خیلی کمی بر منافع شرکت‌ها وضع شد و این امر خود گواهی می‌داد که دولت شائق است صاحب سرمایه پس از پرداخت مالیات بردرآمد اقلاً صدی بیست منفعت خالص عاید کند. روشی که دولت تا سنه ۱۳۱۷ بطور خیلی روشن و بدون تغییر و تبدیل سیاست پیروی نمود چهار نتیجه خیلی مفید داد:

اول - مبلغ اندوخته‌هایی که تا آن وقت وسیله‌ای نداشت که در راه ازدیاد تولید کشور وارد کند در تجارت و صنعت بکار افتاد.

دوم - صنعت ریسندگی بوجود آمد و مردم آگاه شدند که ایجاد صنایع مختلف در ایران امکان‌پذیر و چقدر در بهبود اوضاع اقتصادی کشور مؤثر است.

سوم - عده‌ای بی‌کار به کار گماشته شدند، هرچند که در بدو امر از حیث ساعات کار و از حیث مزد همان بی‌عدالتی‌هایی که در مراحل اول در سایر کشورهای صنعتی نسبت به کارگر شده بود در ایران نیز بعمل آمد.

نتیجه چهارم - و از همه مهمتر اینکه با تأسیس کارخانجات و بگریان افتادن قسمتی از اندوخته‌های راکد و بکار انداختن آن اندوخته‌ها در کارهای تولیدی جنبش و فعالیت در کشور بوجود آمد که اقتصاد عمومی کشور و عامه مردم از آن استفاده نمودند.

هرگاه این سیاست ادامه یافته بود کم‌کم اعتماد و اطمینان مردم بیشتر جلب شده بود و تاکنون قسمت عمده اندوخته‌های زیادی که راکد و پنهان است، در راه ازدیاد و تولید بکار افتاده بود. در سنه ۱۳۱۷ به‌تصور اینکه منافع صدی ۲۵ خارج از اعتدال است، دولت تغییر سیاست داده و قانونی وضع نمود که منافع کارخانجات را به‌صدی دوازده محدود می‌کرد. اگرچه این قانون هیچوقت عملی نشد، مع‌هذا اثری بخشید که دولت انتظار نداشت و آن اینکه از تأسیس کارخانجات جدید و توسعه کارخانجات موجوده جلوگیری کرد، زیرا که در کشوری که نرخ جاری بهره حداقل صدی دوازده [است] و در موقع تنگی پول به‌صدی ۱۸ و حتی به‌صدی ۲۴ می‌رسد کسی حاضر نمی‌شود سرمایه خود را در کارهای صنعتی به‌گیر اندازد که نرخ بهره جاری کمتر از صدی شش می‌باشد. این اصل مسلم شناخته شده است که سرمایه‌دار و صاحبان اندوخته‌ها ترغیب نمی‌شوند در کارهای صنعتی وارد شوند، مگر به‌امید منفعت اقلاً صدی ۲۰

تا صدی ۲۵. متأسفانه دوره تأسیس صنایع که تا سنه ۱۳۱۷ با برنامه منظمی پیش می‌رفت با وقایع شهریور ۲۰ خاتمه یافت و کارخانجاتی که تا آن وقت تحت مراقبت مدیران فنی خارجی بر طبق اصول فنی صحیح اداره می‌شدند و تعمیر و نگهداری ماشین‌آلات با کمال دقت رعایت می‌شد به دست مدیران بازرگانی افتاد که اطلاعات و تجربیات فنی کافی نداشته و منظورشان فقط حداکثر بهره‌برداری بود.

در دوره دوم، یعنی از سنه ۱۳۲۱ تا سنه ۱۳۲۵ کمیابی جنس در اثر جنگ مخصوصاً کمیابی شدیدی که پس از توسعه جنگ خاور دور پیدا شد و ترقی فاحش در قیمت‌ها که در نتیجه آن کمیابی بوجود آمد و تورم عمومی در قیمت‌های داخلی در اثر نشر اسکناس مورد احتیاج متفقین همه دست بهم داد که قیمت محصولات کارخانجات داخلی بحدی ترقی کند که منفعت سالانه کارخانجات ریسندگی به چند برابر اصلی آنها بالغ گردد. در این سنوات از یکطرف کارخانجات با وجود مشکلات زیاد از حیث پنبه و اسباب یدکی و نداشتن مدیر فنی چنانکه گفته شد حداکثر بهره‌برداری را با حداقل هزینه تعمیر و نگهداری بعمل آورده، حداکثر استفاده نمودند. از طرف دیگر کارگر که بواسطه ترقی قیمت ارزاق و افزایش هزینه زندگی سخت در مضیقه بود، دائماً مطالبه اضافه‌مزد می‌کرد، زیرا که هر قدر هم که کارفرما بر مزد می‌افزود مع‌هذا آن اضافه‌مزدها کفایت و جبران ترقی روزافزون قیمت لوازم زندگی را نمی‌کرد. مصرف‌کنندگان نیز از منافع فوق‌العاده کارخانجات سخت ناراضی و عصبانی شده و بطور کلی افکار عامه نسبت به کارخانجات داخلی بدبین گردید که این سوءنظر تاکنون باقی مانده است، غافل از آنکه اگر کارخانجات در کشور وجود نداشتند، مطمئناً قیمت اجناس به چند برابر همان قیمت‌هایی که مورد شکایت خریداران بود ترقی می‌کرد.

در این اثنا دکتر میلیسیو با اختیارات تامه مأمور اصلاح امور مالی و اقتصادی کشور گردید و به منظور اینکه اوضاع و احوال زمان مأموریت سابق خود می‌باشد و غافل از تحولات فاحشی که در ضمن ۱۵ سال پیدا

شده بود، تدابیر ناپخته‌ای آغاز نمود که نه فقط منظور را حاصل نکرد، بلکه از پیشرفت صنعتی کشور هم جلوگیری کرد. قانون تثبیت قیمت‌ها از ترقی‌ها جلوگیری نکرد و از قانون مالیات بردرآمد صدی هشتادهم که دکتر میلیسیو وضع نمود، با در نظر گرفتن ترقی قیمت‌ها و رواج معاملات و سایر عوامل مساعد، عایدات خیلی کمتری به دولت رسید تا از قانون سابق که حداکثر اشل آن بیش از صدی بیست نبود. مع‌هذا در سالهای جنگ مالیات بردرآمد و عوارضی که کارخانجات نساجی به خزانه دولت پرداختند بالغ بر ۲۶۵٫۳۹۸٫۳۸۳ ریال بود یعنی کمک‌های معنوی را که دولت در دوره تکوین به آنها نموده بود به شکل مادی و به ضاعف مضاعف جبران کرد. پاره‌ای از مفاسد قانون تثبیت قیمت‌ها و قانون مالیات بردرآمد دکتر میلیسیو که به حد شیاع رسیده و اثرات آنها تا امروز باقی مانده است ذیلاً شرح داده می‌شود:

اولاً بسیاری از بازرگانان و شرکت‌ها برای فرار از پرداخت مالیات بردرآمد گزاف به نگهداری دفاتر غیر واقعی مبادرت ورزیدند و این عادت تا امروز باقی مانده است.

ثانیاً در نتیجه عملی نبودن مقررات تثبیت قیمت‌ها، مدیران شرکت‌ها که سهام‌دار عمده بودند خود را محق دانستند که محصول کارخانه را به قیمت تثبیت شده که در حدود، یا کمتر از نصف قیمت عادلانه بازار بود، به خودشان و به سایر سهامداران عمده بفروشند. همچنین برای فرار مالیات بردرآمد خود را مجاز دانستند که در قیمت خرید مواد خام فعل و انفعالاتی بعمل آورند و در بعضی موارد تمام یا قسمتی از منافع را بشکل کوپن جنس به صاحبان سهام بدهند.

ثالثاً ذخیره استهلاک فرسودگی و ذخایر احتیاطی که متناسب با منافع سرشار بود کنار گذاشته نشده و قیمت عمده منافع کارخانجات تقسیم یا تفریط گردید.

رابعاً عده‌ای به عنوان کارمند یا کارگر زائد بعلت بستگی بامدیران

وسهام داران، عده‌ای با اعمال نفوذ منتقدین یا به‌جهت دیگر، به‌حقوق گزافی استخدام و بربودجه کارخانجات تحمیل شدند.

این رویه خارج از اصول که مدیران کارخانجات به‌منظور فرار از مالیات بردرآمد گزاف و حفظ منافع سهام‌داران عمده معمول داشتند و فروش سهامشان در منتهای ترقی بازار و انتقال آن سهام به‌خریداران جدیدی که بالطبع بعداً متضرر شدند، موجب شد که اطمینان سهام‌داران سلب شود و دیگر کسی رغبت نکند سرمایه خود را به‌دست شرکتی بسپارد. اثر این عدم اعتماد تا امروز باقی است و مهم‌ترین عاملی است در پنهان ماندن اندوخته‌ها از یکطرف و رواج معاملات ارضی که هم‌اکنون متداول است، از طرف دیگر. این رغبت به‌معاملات ارضی نیز مهم‌ترین عاملی است در باز داشتن سرمایه از به‌کار افتادن در امور تولیدی... پس ریشه فساد در حقیقت وجود این گونه قوانین و مقررات است که نه از لحاظ عدل و انصاف مورد قبول عامه است و نه قابل اجراء و فقط موجب می‌شود که مردم قوانین را رعایت نکنند و احترام به‌قانون سلب شود.

بعد از خاتمه جنگ دوره سومی آغاز شد که تا حدود چهار سال، یعنی از ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۹ ادامه داشت. در این دوره منافع سرشار تدریجاً تقلیل یافته و بالاخره بکلی از بین رفت. به‌این معنی که تنزل در قیمت‌های بازارهای دنیا و رقابت قماش خارجی و تنزل نرخ ارز که از سال ۱۳۲۷ در مورد اجناس ضروری مانند قماش نخ‌ی برپایه دلاری ۴۲ ریال مستقر گردید وضعیت‌ی ایجاد کرد که در اوایل سال ۱۳۲۹ اغلب کارخانجات و دستگاه‌های دست‌باف و کشفاب مجبور شدند محصول خود را مایه کاری و بعضی از آنها حتی به‌ضرر بفروشند. در این چهارسال اشکالات کارگری که در دوره جنگ آغاز شده بود شدت یافت و در نتیجه فعالیت و دخالت احزاب و دسته‌های سیاسی در امور داخلی کارخانجات و عدم انضباط و عدم اطاعت کارگر که در اثر این دخالت‌ها به‌وجود آمد، وضعیت بسیار نامطلوبی در کارخانجات ایجاد شد... رکود بازار که در اواخر ۱۳۲۷ شروع [شد] و در اوایل سال ۱۳۲۹ شدت یافته بود، در اثر جنگ کره

خاتمه یافت و در اواسط سال ۱۳۲۹ قیمت‌های بین‌المللی شروع به‌ترقی نمود. ضمناً در اثر قطع شدن جریان نفت در اوایل ۱۳۳۰ نرخ ارز شروع به‌ترقی نمود و در ظرف دو سال تدریجاً از ۴۲ ریال به‌صد ریال و بیشتر رسید و این دو عامل موجب شد که در دوره چهارم یعنی در سه سال از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲، امور کارخانجات ریسندگی دوباره رونق گرفته بدو منافع کمی و بعداً منافع معتدلی حاصل کنند... در این سه سال یازده کارخانه نصب گردید و ۱۱۰۰۰۰۸۰۰ دوک ریسندگی و ۱۶۰۰ دستگاه بافندگی به‌قوة مولده کشور افزوده شد...

توجیه لزوم توسعه استعداد بافندگی کشور:

بطوری که در فوق مذکور شد ۱۱۰۰۰۰۰ دوک جدید و ۲۱۷۹۳۷ دوک کهنه قابل استفاده فعلاً (۱۳۳۴) در کشور موجود است و این ۲۱۷۹۳۷ دوک در صورتی که سه نوبت هشت ساعت کار کنند می‌توانند حداقل هشت میلیون بقیچه نخ و شاید تا نه میلیون بقیچه نخ تولید کنند. نکته قابل توجه این است که با ۸ تا ۹ میلیون بقیچه نخ می‌توان پس از احتیاجات قالی‌بافی و کش‌بافی و دست‌بافی و غیره کلیه احتیاجات کشور را به‌قماش نخ‌ی رفع نمود، ولیکن چون دستگاه بافندگی بحد کافی در کشور موجود نیست، یا آنهایی که موجودند تاب مقاومت یا رقابت خارجی را ندارند... فقط نصف ظرفیت خود نخ تولید می‌نمایند... بنابراین احتیاجات کشور ایجاب می‌نماید که در حدود سالی ۱۱۳۰۰ تن قماش نخ‌ی و سالی ۴۰۰۰ تن قماش پشمی که تا حدی جایگزین قماش نخ‌ی شده است به‌کشور وارد گردد. در حالی که اگر دستگاه‌های بافندگی و چیت‌سازی و سایر وسایل پرداخت پارچه بحد کافی در کشور وجود داشت، کارخانجات ریسندگی که هم‌اکنون در کشور دایر شده‌اند، استعداد و ظرفیت آن را دارند که برای بافتن کلیه قماشی که مورد احتیاج کشور است، نخ بحد کافی تهیه کنند. پس راه چاره اساسی این است که بر تعداد دستگاه‌های بافندگی ماشینی و استعداد و ظرفیت دستگاه‌های دست‌باف

افزوده شود، بطوری که از ظرفیت کارخانجات ریسندگی استفاده کامل شده و ضمناً کلیه احتیاجات کشور به قماش نخی در خود کشور تهیه شود... (ص ۴۰).

عوامل مختلفی که در قیمت تمام شده قماش مؤثر است:

۱- مشکلات تأسیس کارخانه: یکی از مشکلات اساسی کارخانجات داخلی که در تمام دوره بهره‌برداری آنها مؤثر است، مشکلاتی است که در بدو تأسیس از لحاظ هزینه حمل و نقل و طول مدت نصب دارند. در مقایسه با کارخانجاتی که در کشور صنعتی نصب می‌شود، باید اعتراف کرد که از این جهات و مخصوصاً از لحاظ بهره‌مندی که در مدت نصب تعلق می‌گیرد، قیمت نصب شده کارخانه در ایران اقل صدی پنجاه بیشتر است، تا قیمت نصب شده کارخانه مشابهی در خارجه. بدیهی است این تفاوت چه در استهلاك و چه در منافع سالانه‌ای که بایستی به صاحبان سرمایه عاید گردد، مؤثر است. در اینجا باید متذکر گردید که سیاست تحمیل حقوق و عوارض گمرکی بر ماشین‌آلات کارخانجات بکلی برخلاف منطق و اصول اقتصادی... است همچنین... عوارضی که شهرداریها بر محصولات کارخانجات می‌بندند، بکلی برخلاف اصول اقتصادی است...

۲- مواد خام: از آنجائی که مواد خام برای تهیه قماش نخی، یعنی پنبه بحد وفور در کشور تولید می‌شود... بر حسب قاعده از لحاظ مواد خام علتی نباید وجود داشته باشد که قماش داخلی گران‌تر از قماش خارجی تمام بشود بلکه قضیه برعکس است... [منتهی] در سایر کشورها کارخانجات می‌توانند هر نوع پنبه و بهر طول الیاف که مورد احتیاج آنهاست به سهولت و برای تحویل فوری در بازار خریداری کنند، (۲۷۰)

۲۷۰- فاصله زیاد یعنی فاصله ۴ تا ۶ میلیمتر بین حداقل و حداکثر طول الیاف پنبه‌هایی که از کارخانجات پنبه پاک‌کنی ایران بیرون می‌آید، نقص بزرگی است از لحاظ مرغوبی آن برای ریسندگی، زیرا که در سایر کشورها که پنبه تولید می‌شود، فاصله حداقل و اکثر طول الیاف یک نوع پنبه بیش از دو میلیمتر نیست.

در صورتیکه در ایران ناقص بودن و کافی نبودن دستگاه بررسی موجب عدم اطمینان به استانداردهای موجود شده. لذا در حقیقت این تسهیل اساسی در اختیار کارخانجات داخلی قرار نگرفته است و در نتیجه هر کارخانه‌ای مجبور است در خریدهایی که می‌کند دقت و مراقبت زیاد بنماید... پس... از لحاظ پنبه می‌توان وسایلی فراهم ساخت که کارخانجات داخلی بخوبی از عهده رقابت با کارخانجات خارجی برآیند و حتی... پنبه را به قیمتی نازلتر از قیمت عادلانه بین‌المللی بدست آورند. علاوه از پنبه اشیاء و مواد دیگری هم مورد احتیاج کارخانجات می‌باشد که به‌ذکر دوتای آنها یعنی اسباب یدکی و رنگ اکتفا می‌شود. پرواضح است که از این دو لحاظ کارخانجات داخلی در موقعیت خیلی بدی هستند، زیرا هر کارخانه‌ای مجبور است مقدار معتدلی سرمایه برای رفع این دو احتیاج کنارگذارد، در حالی که کارخانجات خارجی برای این منظور هیچ احتیاجی به موجودی را کد ندارند و هر وقت احتیاج پیدا کنند بفاصله چند ساعت یا چند روز می‌توانند احتیاجات خود را رفع نمایند، آن هم فقط به همان مقداری که احتیاج دارند. در عین حال حل این مشکل با تشکیل سندیکاهائی میسر است که آن سندیکاهای این قبیل احتیاجات را یکجا وارد کرده و با جزئی منفعتی در اختیار کارخانجات قرار دهد. بعلاوه همین که بر تعداد کارخانجات افزوده شد و کلیه قماش مصرفی کشور در داخله تهیه گردید، نمایندگان کارخانجات سازنده خارجی و نماینده کارخانجات رنگ و غیره خود حاضر خواهند شد که اسباب یدکی و رنگ و سایر احتیاجات کارخانجات را وارد کرده و موجود نگاهدارند، یعنی همان تسهیلاتی که از این لحاظ در اختیار کارخانجات خارجی است در اختیار کارخانجات داخلی قرار دهند.

۳- کارکرد کارگر: از آنجائی که شغل صنعتی در ایران هنوز در مرحله بدوی است... کارگر صنعتی بطوریکه باید و شاید هنوز تعلیم و تربیت نیافته و همچنین بعامل دیگری که شرح آن زائد می‌باشد کارکرد (رانده‌مان) یک نفر کارگر در ایران کمتر از یک خمس کارکرد یک نفر